

ESPAÑOL

مکالمات کاربردی روزمره زبان اسپانیایی

از سطح متوسط تا پیشرفته



تهیه شده توسط

چرب زبان

CharbZaban.com

فهرست مطالب

این مجموعه برای کسی نوشته شده که اسپانیایی را در حد پایه می‌داند و می‌خواهد در موقعیت‌های واقعی راحت حرف بزند.

پیش از شروع

- ۳ چطور از این مجموعه استفاده کنیم
- ۴ کلید تلفظ اسپانیایی برای فارسی‌زبانان

بخش یک - موقعیت‌های روزمره (سطح متوسط)

- ۶ ۱. در کافه: سفارش دادن و گپ کوتاه
- ۸ ۲. در رستوران: وقتی سفارش اشتباه می‌آید
- ۱۰ ۳. خرید لباس، پرو و تعویض کالا
- ۱۲ ۴. تاکسی، مترو و پرسیدن آدرس
- ۱۴ ۵. قرار گذاشتن با دوستان و رد کردن مؤدبانه
- ۱۶ ۶. تماس تلفنی و گرفتن وقت
- ۱۸ ۷. اجاره خانه و گفت‌وگو با صاحب‌خانه
- ۲۰ ۸. در سوپرمارکت و بازار محلی

بخش دو - موقعیت‌های رسمی و اداری

- ۲۳ ۹. مصاحبه شغلی
- ۲۵ ۱۰. در بانک: افتتاح حساب
- ۲۷ ۱۱. هتل: رزرو، ورود و شکایت
- ۲۹ ۱۲. مطب پزشک و داروخانه
- ۳۱ ۱۳. امور اداری: اقامت، ثبت‌نام و مدارک

بخش سه - گفت‌وگوی پیشرفته

- ۳۴ ۱۴. ابراز نظر، موافقت و مخالفت مؤدبانه
- ۳۶ ۱۵. جلسه کاری و چانه‌زنی
- ۳۸ ۱۶. شکایت رسمی و پیگیری تا آخر
- ۴۰ ۱۷. تعریف کردن خاطره و داستان‌گویی
- ۴۲ ۱۸. فرض، آرزو و پشیمانی
- ۴۴ ۱۹. بحث اجتماعی و گفت‌وگوی فرهنگی

بخش چهار - ابزارهای زبان

- ۴۷ اصطلاح‌ها و زبان کوچه‌بازاری
- ۴۹ گرامر کاربردی در یک نگاه
- ۵۲ ۲۴ اشتباه رایج فارسی‌زبانان
- ۵۴ بانک عبارت‌های آماده
- ۵۶ اسپانیایی اسپانیا یا آمریکای لاتین؟
- ۵۷ برنامه تمرین ۳۰ روزه

چطور از این مجموعه استفاده کنیم

فرق این مجموعه با کتاب‌های معمول آموزش زبان در یک چیز است: هیچ جمله‌ای را برای «کامل کردن درس» ننوشته‌ایم. هر جمله‌ای که می‌خوانید، جمله‌ای است که یک اسپانیایی‌زبان واقعاً در همان موقعیت می‌گوید. بنابراین به جای حفظ کردن لیست لغت، موقعیت‌ها را تمرین کنید.

هر مکالمه چهار لایه دارد

ساختار هر درس

- موقعیت ۱۰** توضیح می‌دهد گفت‌وگو کجا و بین چه کسانی است، چون لحن اسپانیایی به شدت به موقعیت وابسته است.
- متن مکالمه ۲۰** خط اول اسپانیایی، خط دوم تلفظ با حروف فارسی، خط سوم ترجمه روان (نه کلمه‌به‌کلمه).
- عبارت‌های کلیدی ۳۰** جمله‌هایی که می‌توانید عیناً بردارید و در موقعیت‌های دیگر هم به کار ببرید.
- نکته ۴۰** یک نکته گرامری یا فرهنگی که همان مکالمه را قابل استفاده می‌کند.

روش تمرین که جواب می‌دهد

- یک بار فقط بخوانید. سعی نکنید چیزی حفظ کنید؛ فقط بفهمید در آن موقعیت چه اتفاقی می‌افتد.
- بار دوم بلند بخوانید. اسپانیایی زبانی است که روی ریتم سوار است. تا وقتی زبان‌تان جمله را نساخته، جمله مال شما نشده.
- ترجمه فارسی را پوشانید و از روی اسپانیایی معنی را بگویید. بعد برعکس: از روی فارسی، اسپانیایی را بسازید. این مرحله سخت است و همان جایی است که یادگیری اتفاق می‌افتد.
- نقش یکی از دو طرف را بازی کنید. خط‌های طرف مقابل را بخوانید و جواب خودتان را بلند بگویید – با کلمات خودتان، نه عین متن.
- سه روز بعد برگردید. یک مرور کوتاه سه‌روزه ارزشش از یک ساعت خواندن اول بیشتر است.

یک واقعیت که وقت‌تان را نجات می‌دهد

برای رسیدن به مکالمه راحت، حدود ۱۵۰۰ کلمه کافی است، به شرطی که آن‌ها را در قالب جمله بلد باشید نه به صورت لیست. کسی که ۵۰۰۰ کلمه را تکتک حفظ کرده ولی جمله نساخته، در کافه لال می‌شود؛ کسی که ۸۰۰ کلمه را در قالب ۲۰۰ جمله آماده بلد است، گفت‌وگو را پیش می‌برد.

درباره لهجه‌ها

تلفظ‌هایی که در این مجموعه نوشته شده بر پایه تلفظ رایج در آمریکای لاتین است، چون برای گوش فارسی‌زبان آسان‌تر است و منابع صوتی بیشتری به آن لهجه پیدا می‌شود. تفاوت‌های تلفظ و واژگان اسپانیای اروپا در همان درس‌ها و به صورت کامل در بخش پایانی آمده است. هر دو درست‌اند و همه‌جا فهمیده می‌شوند.

کلید تلفظ اسپانیایی برای فارسی‌زبانان

خبر خوب: اسپانیایی تقریباً همان‌طور که نوشته می‌شود خوانده می‌شود – برخلاف انگلیسی و فرانسه. اگر این جدول را یک بار جدی بگیرید، برای همیشه می‌توانید هر کلمه اسپانیایی را درست بخوانید.

حرف‌هایی که با انتظار ما فرق دارند

حرف	تلفظ	نمونه
j	خ (مثل «خانه»)	jefe ← خِفِه (رئیس) · trabajo ← تراباخو (کار)
g + e/i	خ	gente ← خِنْتِه (مردم) · girar ← خیرار (چرخیدن)
g + a/o/u	گ	gato ← گاتو (گربه) · guerra ← گِرا (جنگ)
h	خوانده نمی‌شود	hola ← اُلا (سلام) · hora ← اُرا (ساعت)
ll	ی	llave ← یابه (کلید) · calle ← کایه (خیابان)
ñ	نُ (مثل «نیت»)	año ← آنیو (سال) · mañana ← مانایانا (فردا)
v	ب (نه «و»)	vino ← بینو (شراب) · vamos ← باموس (برویم)
z / c + e, i	س در آمریکای لاتین · ث در اسپانیا	gracias ← گراسیاس / گراثیاس (ممنون)
qu	ک (حرف u خوانده نمی‌شود)	queso ← کِسو (پنیر) · aquí ← آکی (اینجا)
rr	ر غلتان و کشیده	perro ← پِرو (سگ) · carro ← کارو (ماشین)
y	ی	ayer ← آیر (دیروز)

پنج مصوت، و فقط پنج

اسپانیایی فقط پنج صدای مصوت دارد و هر کدام همیشه یک صدا می‌دهد: **a** «آ» کوتاه، **e** «ا»، **i** «ای»، **o** «اُ»، **u** «او». نکته مهم برای ما این است که این مصوت‌ها هرگز کشیده یا دورگه نمی‌شوند؛ **no** دقیقاً «نو» است، نه «نُو» مثل انگلیسی.

قاعده استرس (کجای کلمه را بلندتر بگوییم؟)

- اگر کلمه علامت تشدید صدا (´) دارد، همان هجا را بلندتر بگویید: **está** ← اِستا.
 - اگر کلمه به مصوت **n** یا **s** ختم شود، هجای یکی‌مانده به آخر: **hablo** ← آبلو.
 - در بقیه موارد، هجای آخر: **hotel** ← اُتل.
- این سه قاعده استثنا ندارد و همین است که خواندن اسپانیایی را ساده می‌کند.

سه خطای تلفظی که فارسی‌زبان‌ها را لو می‌دهد

- یک:** خواندن **v** به صورت «و» – در اسپانیایی **b** و **v** هر دو «ب» هستند.
- دو:** یکسان تلفظ کردن **r** و **rr**. این تفاوت معنا را عوض می‌کند: **caro** (گران) در برابر **carro** (ماشین) · **pero** (ولی) در برابر **perro** (سگ).
- سه:** خواندن **e** پایان کلمه به صورت کشیده یا حذف آن – **noche** «نُچه» است، نه «نُج».

موقعیت‌های روزمره

این هشت مکالمه ستون فقرات زندگی روزمره با زبان اسپانیایی است. اگر همین هشت موقعیت را راحت پیش ببرید، یک هفته سفر یا یک ماه زندگی در کشور اسپانیایی‌زبان دیگر شما را غافلگیر نمی‌کند.

- ۱. در کافه: سفارش دادن و گپ کوتاه
- ۲. در رستوران: وقتی سفارش اشتباه می‌آید
- ۳. خرید لباس، پرو و تعویض کالا
- ۴. تاکسی، مترو و پرسیدن آدرس
- ۵. قرار گذاشتن با دوستان و رد کردن مؤدبانه
- ۶. تماس تلفنی و گرفتن وقت
- ۷. اجاره خانه و گفت‌وگو با صاحب‌خانه
- ۸. در سوپرمارکت و بازار محلی

۱ در کافه: سفارش دادن و گپ کوتاه

سطح متوسط · En la cafetería

ساعت یازده صبح است. وارد یک کافه محلی می‌شوید و می‌خواهید ببینید صبحانه هنوز سرو می‌شود یا نه. با کارمند کافه رسمی صحبت می‌کنید (usted)، چون همدیگر را نمی‌شناسید.

Buenos días. ¿Todavía sirven desayuno?

بوئنوس دیاس. تودابیا سیرین دِسایونو؟
صبح بخیر. هنوز صبحانه سرو می‌کنید؟

Sí, hasta las doce. ¿Qué le apetece?

سی، آستا لاس دُسه. که له آپتسه؟
بله، تا ساعت دوازده. چی میل دارید؟

Un café con leche y una tostada con tomate, por favor.

اون کافه گُن لچه ای اونا توستادا گُن توماته، پور فابور.
یک قهوه با شیر و یک نان تست با گوجه، لطفاً.

¿El café grande o pequeño?

اِل کافه گراندِه اُ پِکْنیو؟
قهوه بزرگ یا کوچک؟

Mediano, si tienen. Y sin azúcar.

مدیانو، سی تیئن. ای سین آسوکار.
متوسط، اگر دارید. و بدون شکر.

Perfecto. ¿Para tomar aquí o para llevar?

پرفکتو. پارا تومار آکی اُ پارا پِبار؟
عالی. همین‌جا میل می‌کنید یا ببرید؟

Para tomar aquí. ¿Me pone también una botella de agua?

پارا تومار آکی. مه پُنه تامبین اونا بوتیا ده آگوا؟
همین‌جا. یک بطری آب هم می‌شه بیارید؟

Claro. Son cuatro con cincuenta. ¿Con tarjeta o en efectivo?

کلارو. سُن کواترو گُن سینکوئنتا. گُن تارختا اُ اِن اِفِکتیو؟
حتماً. چهار و پنجاه می‌شه. با کارت یا نقد؟

Con tarjeta. ¿Hay wifi, por casualidad?

گُن تارختا. آی وایفای، پور کاسوالیداد؟
با کارت. ضمناً، وای‌فای دارید؟

Sí, la contraseña está en el ticket. Ahora mismo se lo llevo a la mesa.

سی، لا گُنتراسینیا اِستا اِن اِل تیکِت. آئورا میسمو سه لو پِبو آ لا مسا.
بله، رمزش روی رسید هست. همین الان براتون می‌آرم سر میز.

عبارت‌های کلیدی این درس

چی میل دارید؟ — مؤدبانه‌ترین شکل پرسیدن سفارش	¿Qué le apetece?
می‌شه ... برام بیارید؟ — طبیعی‌ترین شکل سفارش دادن	¿Me pone un/una...?
همین‌جا میل می‌کنم / بیرون‌بر	Para tomar aquí / para llevar
با کارت یا نقد؟	¿Con tarjeta o en efectivo?
همین الان	Ahora mismo
راستی، احتمالاً — برای پرسیدن غیررسمی یک چیز اضافه	Por casualidad

واژگان کافه و صبحانه

el zumo / el jugo — آبمیوه (اسپانیا / آمریکای لاتین)	el cortado — قهوه با کمی شیر	el café solo — قهوه تلخ بدون شیر
la barra — بار کافه، پیشخوان	la propina — انعام	la servilleta — دستمال سفره
el vaso — لیوان	la taza — فنجان	la terraza — میزهای بیرون
los huevos revueltos — تخم‌مرغ همزده	la mermelada — مربا	el bollo — نان شیرینی
sin lactosa — بدون لاکتوز	el mostrador — پیشخوان سفارش	

نکته · دو فعل که سفارش دادن را طبیعی می‌کند

برای سفارش، اسپانیایی‌زبان‌ها به جای **quiero** («می‌خواهم» — کمی خشک و بچگانه) از **poner** استفاده می‌کنند: **¿Me pone un café?** در آمریکای لاتین همین را با **dar** می‌گویند: **¿Me da un café?** هر دو مؤدبانه‌اند. اگر خیلی رسمی می‌خواهید باشید: **Quisiera un café** («یک قهوه می‌خواستم».)
اعشار را با **con** می‌خوانند: ۴/۵۰ یورو می‌شود **cuatro con cincuenta**، نه «cuatro punto cinco».

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. یک قهوه بدون شکر می‌شه برام بیارید؟
2. صبحانه تا ساعت چند سرو می‌کنید؟
3. بیرون‌بر، لطفاً. با کارت پرداخت می‌کنم.
4. راستی، وای‌فای دارید؟ رمزش چیه؟

پاسخ‌ها: ۱) **¿Me pone un café sin azúcar, por favor?** ۲) **Hasta qué hora sirven el desayuno?** ۳) **Para llevar, por favor. Pago con tarjeta.** ۴) **¿Cuál es la contraseña?** ۵) **¿hay wifi?**

غذایی که آورده‌اند آن نیست که سفارش داده بودید. این مکالمه به شما نشان می‌دهد چطور بدون تنیدی و بدون خجالت، مشکل را حل کنید – مهارتی که در هر کشوری لازم می‌شود.

Perdone, creo que esto no es lo que pedí.

پُرذنه، کرئو که اِستو نو اِس لو که پدی.
ببخشید، فکر می‌کنم این چیزی نیست که سفارش دادم.

¿Qué había pedido usted?

که آبیا پدیدی اوستِد؟
شما چی سفارش داده بودید؟

Pedí el salmón a la plancha, y esto es pollo.

پدی اِل سالْمُن آ لا پلانچا، ای اِستو اِس پُیو.
من ماهی سالمون گریل سفارش دادم، و این مرغ است.

Le pido disculpas. Ha sido un error nuestro. Se lo cambio ahora mismo.

له پیدو دیسکولپاس. آ سیدو اون اِزور نوئسترو. سه لو کامبیو آئورا میسمو.
عذر می‌خواهم. اشتباه از طرف ما بوده. همین الان عوضش می‌کنم.

Gracias. Y si puede ser, sin cebolla. ¿Cuánto tardará?

گراسیاس. ای سی پوئده بیر، سین سبویا. کوانتو تاردارا؟
ممنون. و اگر می‌شه، بدون پیاز. چقدر طول می‌کشد؟

Unos diez minutos como máximo. ¿Le traigo algo mientras espera?

اونوس دیس مینوتوس کومو ماکسیمو. له ترایگو آلگو مینتراس اِسپِرا؟
حدود ده دقیقه، حداکثر. تا منتظرید چیزی براتون بیارم؟

Un poco más de pan, si no es molestia. Una cosa más: ¿el plato lleva picante?

اون پوکو ماس ده پان، سی نو اِس مولستیا. اونا کوسا ماس: اِل پلاتو پیا پیکانته؟
اگر زحمت نیست کمی نان بیشتر. یک چیز دیگر: این غذا تند است؟

No lleva nada picante, pero se lo confirmo con la cocina.

نو پیا نادا پیکانته، پرو سه لو کُنفریمو کُن لا کوسینا.
تند نیست، ولی با آشپزخانه چک می‌کنم و خبر می‌دهم.

Se lo agradezco. Ah, ¿nos trae la cuenta cuando pueda?

سه لو آگراذسکو. آه، نُس ترائه لا کوئنتا کواندو پوئده؟
ممنونم. آها، هر وقت تونستید صورت‌حساب را می‌آرید؟

Por supuesto. ¿Todo junto o por separado?

پور سوپوئستو. تودو خونتو اُ پور سِپارادو؟
البته. همه با هم یا جدا جدا؟

عبارت‌های کلیدی این درس

این چیزی نیست که سفارش دادم **Esto no es lo que pedí**

عذر می‌خواهم - رسمی و کامل **Le pido disculpas**

اگر ممکن است... - نرم‌ترین شکل درخواست **Si puede ser...**

اگر زحمت نیست **Si no es molestia**

این غذا ... دارد؟ - برای پرسیدن مواد غذا **¿El plato lleva...?**

یک‌جا حساب کنیم یا جداگانه؟ **¿Todo junto o por separado?**

صورت‌حساب، هر وقت تونستید **La cuenta, cuando pueda**

واژگان رستوران

la carta - منو	el postre - دسر	el segundo plato - غذای اصلی	el primer plato - پیش‌غذا
crudo - خام، نپخته	frito - سرخ‌شده	al horno - در فر پخته	a la plancha - گریل‌شده
el camarero - گارسون	la guarnición - غذای همراه	muy hecho - خوب پخته	poco hecho - نیم‌پز
reservar mesa - میز رزرو کردن			

نکته • فعل llevar برای مواد غذا

فارسی‌زبان‌ها معمولاً می‌گویند **¿tiene cebolla?** که غلط نیست ولی بومی نیست. اسپانیایی‌زبان برای مواد تشکیل‌دهنده یک غذا از **llevar** استفاده می‌کند: **¿Lleva cebolla? / No lleva carne.** (پول نقد همراهم نیست).
و یک ترفند مؤدبانه: جمله درخواست را با **cuando pueda** («هر وقت توانستید») تمام کنید. همین دو کلمه لحن را از دستور به خواهش تغییر می‌دهد.

تمرین • این چهار جمله را بلند بگویید

1. ببخشید، این چیزی نیست که سفارش دادم.
2. این غذا پیاز دارد؟
3. اگر ممکن است، بدون نمک.
4. هر وقت تونستید صورت‌حساب را بیارید. جدا حساب می‌کنیم.

پاسخ‌ها: ۱) Perdona, esto no es lo que pedí. ۲) ¿El plato lleva cebolla? ۳) Si puede ser, sin sal. ۴) La cuenta cuando pueda. Por separado, por favor.

در یک فروشگاه لباس هستید. سایز مناسب نیست و می‌خواهید هم عوض کنید و هم از شرایط مرجوعی مطمئن شوید – دقیقاً همان چیزی که خرید در سفر را بی‌دردسر می‌کند.

Perdón, ¿tienen esta camisa en una talla más?

پُرْدُن، تینِن اِستا کامیسا اِن اونا تایا ماس؟
ببخشید، این پیراهن را یک سایز بزرگ‌تر دارید؟

¿Qué talla lleva usted normalmente?

که تایا پِیا اوستِد نُرمالمنته؟
معمولاً چه سایزی می‌پوشید؟

La M, pero esta me queda un poco estrecha de hombros.

لا اِمِه، پِرو اِستا مه کِدا اون پوکو اِسترچا ده اُمبروس.
سایز M، ولی این یکی از شانه کمی تنگ است.

Déjeme mirar en el almacén... Sí, aquí tiene la L. ¿Quiere probarse?

دِخمِه مِیرار اِن اِل آلماسِن... سی، آکی تینِه لا اِلِه. کیره پروبارسِلا؟
اجازه بدهید در انبار نگاه کنم... بله، این سایز L. می‌خواهید پروش کنید؟

Sí, ¿dónde están los probadores?

سی، دُنده اِستان لوس پروبادورِس؟
بله، اتاق پرو کجاست؟

Al fondo, a la derecha. Si necesita otra talla, me avisa.

آل فُنْدو، آلا دِرچا. سی نیسیستا اُترا تایا، مه آویسا.
ته سالن، سمت راست. اگر سایز دیگری لازم داشتید، صدام کنید.

Esta me queda bien. Me la quedo. ¿Puedo devolverla si no le gusta a mi hermano?

اِستا مه کِدا بِن. مه لا کِدو. پوئدو دِبلِرلا سی نو له گوستا آ می اِرمانو؟
این اندازه‌ام است. برش می‌دارم. اگر برادرم خوشش نیامد می‌توانم برگردانم؟

Tiene treinta días con el ticket. Se lo cambiamos o le devolvemos el dinero.

تینِه ترینتا دیاس کُن اِل تیکِت. سه لو کامبِیاموس اُ له دِبلِموس اِل دینرو.
سی روز فرصت دارید، با رسید. عوض می‌کنیم یا پول را برمی‌گردانیم.

¿Y se puede devolver en cualquier tienda de la cadena?

ای سه پوئده دِبلِر اِن کوالکیر تیندا ده لا کادِنا؟
و در هر شعبه‌ای از این فروشگاه می‌شود مرجوع کرد؟

En cualquiera del país, sí. ¿Se lo envuelvo para regalo?

اِن کوالکیرا دِل پائیس، سی. سه لو اِنبُوئلِبو پارا رِگالو؟
در هر شعبه‌ای در کشور، بله. کادویی بپیچم؟

عبارت‌های کلیدی این درس

Me queda estrecho / grande / bien برایم تنگ / گشاد / اندازه است

Una talla más / menos یک سایز بزرگ‌تر / کوچک‌تر

¿Quiere probárselo? می‌خواهید پروش کنید؟

Me lo quedo برش می‌دارم، می‌خرمش

Devolver / cambiar مرجوع کردن / تعویض کردن

¿Se lo envuelvo para regalo? کادویی بپیچم؟

واژگان خرید و لباس

la caja – صندوق پرداخت

el probador – اتاق پرو

el número – سایز کفش

la talla – سایز لباس

la factura – فاکتور

el descuento – تخفیف

la rebaja – حراج، تخفیف

el escaparate – ویترین

de manga corta – آستین کوتاه

de algodón – نخی

ancho – گشاد

ajustado – چسبان

el ticket / el recibo – رسید

la garantía – ضمانت

نکته · فعل quedar، پرکاربردترین فعلی که کسی یادتان نمی‌دهد

quedar در لباس یعنی «به تن نشستن»: **Me queda grande** (برایم گشاد است). اما همین فعل چند کار دیگر هم می‌کند و هر کدام را جدا یاد بگیرید:

quedar con alguien = با کسی قرار گذاشتن · **quedarse** = ماندن · **quedar bien/mal** = خوب/بد جلوه کردن · **quedan dos días** = دو روز باقی مانده.

سایز: برای لباس **talla** و برای کفش **número**. **¿Qué número calza?** یعنی «کفش‌تان چند است؟»

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. این را یک سایز کوچک‌تر دارید؟

2. از کمر برام گشاد است.

3. اتاق پرو کجاست؟

4. اگر اندازه نبود می‌توانم عوض کنم؟

پاسخ‌ها: ۱) ¿Tienen esto en una talla menos? ۲) Me queda ancho de cintura. ۳) ¿Dónde están los probadores? ۴) Si no me queda bien, ¿puedo cambiarlo?

عجله دارید و باید سر وقت به یک آدرس برسید. این درس دو بخش دارد: گفت‌وگو با راننده، و بعد پرسیدن آدرس از یک عابر — با ساختارهایی که در همه راهنمایی‌های مسیر تکرار می‌شوند.

Buenas, ¿me lleva a la calle Serrano, número cuarenta y ocho?

بوئناس، مه پیا آلا کایه سِرَّانو، نوْمِرو کوارِنتا ای اُچو؟
سلام، من را به خیابان سرانو، شمارهٔ چهل‌وهشت می‌برید؟

Suba. ¿Tiene prisa?

سوبَا. تینه پریسا؟
بفرمایید بالا. عجله دارید؟

Un poco. Tengo que estar allí antes de las seis.

اون پوکو. تَنگو که اِستار آیی آنْتِس ده لاس سِیس.
کمی. باید قبل از ساعت شش آنجا باشم.

A esta hora hay bastante tráfico. Si le parece, vamos por la ronda.

آ اِستا اُرا آی باسْتانته ترافیکو. سی له پارِسه، باموس پور لا رُندا.
این ساعت ترافیک زیاد است. اگر موافقید، از کمربندی برویم.

Como usted vea. ¿Cuánto puede costar más o menos?

کومو اوستِیدِ وِئا. کوانتو پوئده کُستار ماس اُ منوس؟
هرطور شما صلاح می‌دانید. تقریباً چقدر می‌شود؟

Unos quince euros, depende del tráfico. Puede pagar con tarjeta.

اونوس کینسه اُئوروس، دِپِنده دل ترافیکو. پوئده پاگار گن تارخِتا.
حدود پانزده یورو، بسته به ترافیک، می‌توانید با کارت پرداخت کنید.

Perfecto. Déjeme en la esquina, que así es más rápido.

پِرِفکْتو. دِخْمه اِن لا اِسکینا، که آسی اِس ماس راپیدو.
عالی. سر نبش پیاده‌ام کنید، این‌طور سریع‌تر است.

واژگان شهر و حمل‌ونقل

la parada — ایستگاه	el billete / el boleto — بلیت	el andén — سکوی مترو	el atasco — راه‌بندان
el semáforo — چراغ راهنما	la acera — پیاده‌رو	el paso de cebra — خط عابر	la esquina — نبش خیابان
la manzana / la cuadra — یک بلوک ساختمان	a pie — پیاده	la rotonda — میدان	cruzar — رد شدن، عبور کردن
el trayecto — مسیر			

Perdone, ¿sabe si hay una farmacia por aquí cerca?

پُرْدَنه، سابه سی آی اونا فارماسیا پور آکی سیرکا؟
ببخشید، می‌دانید این نزدیکی داروخانه هست؟

م

Sí, siga recto dos calles y gire a la izquierda. Está justo enfrente del banco.

سی، سیگا رکتو دُوس کالِس ای خیره آ لا ایسکیپِردا. اِستا خوستو اِنفرِنته دِل بانکو.
بله، دو خیابان مستقیم بروید و بپیچید به چپ. درست روبه‌روی بانک است.

ع

¿Se tarda mucho andando?

سه تاردا موچو آندانِدو؟
پیاده خیلی طول می‌کشد؟

م

Cinco minutos como mucho. No tiene pérdida.

سینکو مینوتوس کومو موچو. نو تینه پِردِیدا.
حداکثر پنج دقیقه. گم نمی‌شوید.

ع

عبارت‌های کلیدی این درس

¿Me lleva a...?

من را به ... می‌برید؟

Como usted vea

هرطور شما صلاح می‌دانید

Siga recto / gire a la derecha

مستقیم بروید / به راست بپیچید

Enfrente de / al lado de / detrás de

روبه‌روی / کنار / پشت

No tiene pérdida

گم نمی‌شوید، پیدا کردنش راحت است

نکته - وجه امری، دستوری‌ترین بخش مکالمه روزمره

راهنمایی مسیر تقریباً همیشه با وجه امری رسمی (**usted**) می‌آید و شکل آن با حالت خبری یکی نیست: **gitar → gire · seguir → siga**
bajar → baje · tomar → tome · cruzar → cruce. قاعده‌اش ساده است: صرف اول شخص زمان حال را بردارید، «o» آخر را حذف کنید و برای فعل‌های **-ar** حرف «e» و برای **-er/-ir** حرف «a» بگذارید. در آمریکای لاتین به جای **recto** بیشتر **derecho** می‌گویند.

تمرین - این چهار جمله را بلند بگویید

1. من را به فرودگاه می‌برید؟ عجله دارم.

2. تقریباً چقدر طول می‌کشد؟

3. ببخشید، ایستگاه مترو این نزدیکی هست؟

پاسخ‌ها: ۱. **¿Me lleva al aeropuerto? Tengo prisa.** ۲. **¿Cuánto se tarda más o menos?** ۳. **Perdone, ¿hay una estación de metro por aquí cerca?**

۵ قرار گذاشتن با دوستان و رد کردن مؤدبانه

سطح متوسط · Quedar con amigos · حالت غیررسمی tú

این اولین مکالمهٔ کاملاً غیررسمی مجموعه است: هر دو طرف از **tú** استفاده می‌کنند. دقت کنید که «نه» گفتن در اسپانیایی همیشه با یک دلیل و یک پیشنهاد جانشین همراه است.

¿Te apetece ir al cine el viernes? Ponen una peli española que tiene muy buena pinta.

آ

ته آپتسه ایر آل سینه ال بیرنس؟ پُتن اونا پلی اسپانیولا که تینه موی بوئنا پینتا.
جمعه دوست داری بریم سینما؟ یک فیلم اسپانیایی گذاشته‌اند که خیلی خوب به نظر می‌رسد.

Me encantaría, pero el viernes lo tengo complicado. Tengo una cena de trabajo.

ب

مه إنکانتاریا، پرو ال بیرنس لو تَنگو گُمپلیکادو. تَنگو اونا سِنا ده تراباخو.
خیلی دوست داشتم، ولی جمعه کارم سخت است. یک شام کاری دارم.

¿Y el sábado? A mí me da igual el día.

آ

ای ال سابادو؟ آ می مه دا ایگوال ال دیا.
شنبه چطور؟ برای من روزش مهم نیست.

El sábado sí puedo. ¿A qué hora quedamos?

ب

ال سابادو سی پوئدو. آ که آرا کِداموس؟
شنبه می‌توانم. ساعت چند قرار بگذاریم؟

¿Te va bien a las ocho delante del cine?

آ

ته با بین آ لاس اُچو دلانتِه دل سینه؟
ساعت هشت جلوی سینما برات خوبه؟

Mejor a las ocho y media, que salgo tarde del gimnasio.

ب

مخور آ لاس اُچو ای مدیا، که سالگو تارده دل خیمناسیو.
هشت و نیم بهتره، چون از باشگاه دیر بیرون می‌آم.

Vale, a las ocho y media. Si cambia algo, te escribo.

آ

باله، آ لاس اُچو ای مدیا. سی کامبیا آلگو، ته اسکریبو.
باشه، هشت و نیم. اگر چیزی عوض شد، پیام می‌دم.

Perfecto. Oye, ¿y si después cenamos algo por el centro?

ب

پرفکتو. اُیه، ای سی دِسپوئس سیناموس آلگو پور ال سینترو؟
عالی. راستی، بعدش چطوره یک چیزی هم مرکز شهر شام بخوریم؟

Buena idea. Yo reservo, que conozco un sitio que está muy bien.

آ

بوئنا ایدِئا. یو رِسرِبو، که کُنْسکو اون سِیتیو که اِستا موی بین.
فکر خوبیه. من رزرو می‌کنم، یک جایی می‌شناسم که خیلی خوبه.

Genial. Nos vemos el sábado entonces. ¡Un abrazo!

ب

خِنیال. نُس وِموس ال سابادو اِنتُنِسیس. اون آبراسو!
محشره. پس شنبه می‌بینمت. بغل!

عبارت‌های کلیدی این درس

دوست داری...؟ حال داری...؟ **¿Te apetece...?**

خیلی دوست داشتم، ولی... - نرم‌ترین «نه» **Me encantaría, pero...**

برایم سخت است، نمی‌توانم جورش کنم **Lo tengo complicado**

ساعت چند قرار بگذاریم؟ **¿A qué hora quedamos?**

برایت مناسب است...؟ **¿Te va bien...?**

خوب به نظر می‌رسد (برای غذا، فیلم، هر چیز) **Tiene buena pinta**

چطوره که...؟ - پیشنهاد دادن **¿Y si...?**

واژگان معاشرت و اوقات فراغت

la caña - لیوان کوچک آبجو

tomar algo - یک چیزی خوردن/نوشیدن

salir - بیرون رفتن، تفریح

la peli - فیلم (محواره)

me viene mal - برایم بد موقع است

me da igual - برایم مهم نیست

por el centro - حدود مرکز شهر

el rato - مدت کوتاه

el plan - برنامه، قرار

avisar - خبر دادن

dejarlo para otro día - انداختنش به روز دیگر

estar liado - گرفتار و سرشلوغ

apuntarse - پایه بودن، اسم نوشتن

نکته • نردبان «نه» گفتن در اسپانیایی

یک «نه» خشک (**No puedo**) در فرهنگ اسپانیایی‌زبان سرد شنیده می‌شود. ساختار استاندارد سه قسمت دارد: ابراز تمایل + دلیل کوتاه + پیشنهاد جانشین.

Me encantaría, pero ese día trabajo. ¿Lo dejamos para el domingo?

درجه‌بندی نرمی: **Me encantaría, pero...** (نرم‌ترین) ← **Lo siento, no puedo** ← **Es que estoy muy liado** ← **Otro día mejor.**

و یک کلمه کوچک با کار بزرگ: **que** در وسط جمله اغلب معنی «چون» می‌دهد: **Mejor a las nueve, que salgo tarde.**

تمرین • این چهار جمله را بلند بگویید

1. پنجشنبه حال داری بریم یک چیزی بخوریم؟

2. خیلی دوست داشتم، ولی آن روز کار دارم. بندازیمش شنبه؟

3. ساعت هفت جلوی ایستگاه برات خوبه؟

4. برای من روزش مهم نیست، تو بگو کی.

پاسخ‌ها: ۱. ¿Te apetece tomar algo el jueves? ۲. ¿Lo dejamos para el sábado? ۳. Me encantaría, pero ese día trabajo. ۴. A mí me da igual el día, dime tú cuándo.

تلفن سخت‌ترین بخش هر زبان است، چون نه صورت طرف را می‌بینید و نه می‌توانید با اشاره کمک بگیرید. خوبی‌اش این است که عبارت‌های تلفنی محدود و تکرارشونده‌اند — همان‌هایی که در این درس می‌آید.

Buenos días, ¿es la gestoría Martínez?

بوئنوس دیاس، اِس لا گِستوریا مارتینس؟
صبح بخیر، دفتر خدمات اداری مارتینس است؟

Sí, dígame.

سی، دیگامه.
بله، بفرمایید.

Llamo para pedir cita con el señor Ortega. ¿Sería posible esta semana?

یامو پارا پدیر سیتا گُن اِل سِنیور اُرتِگا. سِریا پوسِیبله اِستا سِمانا؟
زنگ زدم برای گرفتن وقت با آقای اورتگا. این هفته امکانش هست؟

Un momento, le miro la agenda... ¿Le viene bien el jueves a las once?

اون موْمِنْتو، له میرو لا آخندا... له بینه بِن اِل خوئِس آلاس اُنسه؟
یک لحظه، دفتر قرارها را نگاه می‌کنم... پنجشنبه ساعت یازده برای‌تان مناسب است؟

El jueves por la mañana no puedo. ¿Tiene algo por la tarde?

اِل خوئِس پور لا مانیانا نو پوئدو. تِینه آلگو پور لا تارده؟
پنجشنبه صبح نمی‌توانم. بعدازظهر چیزی دارید؟

A las cinco y cuarto. ¿Me dice su nombre, por favor?

آلاس سینکو ای کوارتو. مه دیسه سو نُمبره، پور فابور؟
ساعت پنج و ربع. اسم‌تان را می‌فرمایید؟

Sí, Reza Ahmadi. ¿Se lo deletreo?

سی، رسا آحمادی. سه لو دِلِترِئو؟
بله، رضا احمدی. حرف‌به‌حرف بگویم؟

Sí, por favor, que no se me escape ninguna letra.

سی، پور فابور، که نو سه مه اِسکاپه نینگونا لِترا.
بله لطفاً، که هیچ حرفی از دستم نرود.

A de Ávila, H de Huelva, M de Madrid, A, D de Dinamarca, I de Italia.

آ ده آویلا، آچه ده اوئِلبا، اِمه ده مادرید، آ، ده ده دینامارکا، ای ده ایتالیا.
آ مثل آویلا، ه مثل اوئلوا، م مثل مادرید، آ، د مثل دانمارک، ای مثل ایتالیا.

Apuntado. Traiga el pasaporte, y si no puede venir, avísenos con un día de antelación.

آپونتادو. تراِیگا اِل پاساپورته، ای سی نو پوئده وِنیر، آبیسنوس گُن اون دِیا ده آنتِلاسِیون.
ثبت شد. پاسپورت را بیاورید، و اگر نتوانستید بیایید، یک روز قبل خبر بدهید.

عبارت‌های کلیدی این درس

Dígame? بفرمایید؟ - جواب دادن تلفن

Llamo para... زنگ زدم برای... - همیشه دلیل تماس را با این بگویید

Pedir cita وقت گرفتن

Sería posible...? امکانش هست...؟ - مؤدبانه‌تر از ¿Es posible?

Le viene bien...? برای‌تان مناسب است...؟

Se lo deletreo? حرف‌به‌حرف بگویم؟

Con un día de antelación یک روز قبل، از پیش

واژگان تلفن و قرار اداری

la extensión - داخلی	marcar - شماره گرفتن	colgar - قطع کردن	la llamada - تماس
de parte de quién? - از طرف کی؟	se corta - تماس قطع‌وصل می‌شود	no se oye bien - صدا خوب نمی‌آید	
anular la cita - لغو وقت	dejar un recado - پیام گذاشتن	está reunido - در جلسه است	le paso - وصل می‌کنم
	el justificante - برگه تأییدیه	aplazar - به عقب انداختن	

نکته - تلفن را هر کشوری جور خودش جواب می‌دهد

Dígame? در اسپانیا · **Bueno?** در مکزیک · **Aló?** در بیشتر آمریکای جنوبی · **Hola?** در آرژانتین. هر چهار در همه‌جا فهمیده می‌شود. الفبای هجی‌کردن: اسپانیایی‌زبان‌ها برای هجی کردن از نام شهرها و کشورها استفاده می‌کنند، نه از الفبای ناتو. برای نام‌های فارسی این چند تا بیشترین کاربرد را دارد: **T de** · **N de Navarra** · **M de Madrid** · **H de Huelva** · **S de Sevilla** · **Z de Zaragoza** · **R de Roma** · **V de Valencia** · **B de Barcelona** · **Toledo**. اگر نام‌تان حرف «ژ» یا «چ» دارد، بهتر است از اول بگویید **Es un nombre persa, se escribe así** و بعد هجی کنید.

تمرین - این چهار جمله را بلند بگویید

1. زنگ زدم برای گرفتن وقت. این هفته امکانش هست؟
2. صبح‌ها نمی‌توانم. بعدازظهر چیزی دارید؟
3. ببخشید، صدا خوب نمی‌آید. می‌شه تکرار کنید؟
4. باید وقتم را لغو کنم. یک روز قبل خبر می‌دهم.

پاسخ‌ها: ۱ · ¿Sería posible esta semana? ۲ · Llamo para pedir cita. ۳ · Por la mañana no puedo. ۴ · Tengo que anular la cita. Aviso con un día de antelación. ۵ · Perdón, no se oye bien. ¿Me lo puede repetir?

یک آگهی اجاره دیده‌اید و زنگ می‌زنید. هدف این مکالمه یاد دادن سؤال‌هایی است که قبل از دیدن خانه باید بپرسید — همان‌ها که اگر نپرسید، وقت و پول از دست می‌دهید.

Buenas tardes, llamo por el piso que tienen anunciado en la calle Goya.

بوئناس تاردس، یامو پور ال پیسو که تینن آنونسیادو این لا کایه گویا.
عصر بخیر، برای آن آپارتمانی زنگ زدم که در خیابان گویا آگهی کرده‌اید.

Sí, sigue disponible. ¿Quiere verlo?

سی، سیگه دیسپونیبله. کیره پرلو؟
بله، هنوز موجود است. می‌خواهید ببینیدش؟

Sí, pero antes tengo un par de preguntas. ¿Cuánto es el alquiler y qué incluye?

سی، پرو آنتس تنگو اون پار ده پرگونتاس. کوانتو اس ال آلكیلر ای که اینکلویه؟
بله، ولی قبلش چند سؤال دارم. اجاره چقدر است و چه چیزهایی را شامل می‌شود؟

Ochocientos al mes. La comunidad está incluida; la luz y el agua, no.

اچوسینتوس آل مس. لا گمونیداد استا اینکلوئیدا؛ لا لوس ای ال آگوا، نو.
ماهی هشتصد. شارژ ساختمان داخلش هست؛ برق و آب نه.

¿Y cuánto piden de fianza?

ای کوانتو پیدن ده فیانسا؟
ودیعہ چقدر می‌خواهید؟

Dos meses de fianza y el primer mes por adelantado.

دُس میس ده فیانسا ای ال پریمر مس پور آدلانتادو.
دو ماه ودیعہ و ماه اول پیش‌پرداخت.

¿De cuánto es el contrato? ¿Y se puede renovar?

ده کوانتو اس ال کُنتراتو؟ ای سه پوئده رُنبار؟
قرارداد چند ساله است؟ و قابل تمدید هست؟

De un año, renovable. Eso sí, no admitimos perros grandes.

ده اون آنیو، رُنبابله. اِسو سی، نو آدمیتیموس پروس گرانڈس.
یک‌ساله، قابل تمدید. فقط این را بگویم که سگ بزرگ قبول نمی‌کنیم.

Entendido. El anuncio dice "exterior": ¿da a la calle o a un patio?

اِنْتِنْدیدو. ال آنونسیو دیسه «اِکسْتِریور»: دا آ لا کایه اُآ اون پاتیو؟
فهمیدم. در آگهی نوشته «رو به بیرون»: به خیابان باز می‌شود یا به حیاط داخلی؟

Da a la calle, pero es una calle bastante tranquila. ¿Le va bien mañana sobre las seis?

دا آ لا کایه، پرو اس اونا کایه باستانته ترانکیلا. له با بین مانیانا سُبیره لاس سِیس؟
به خیابان، ولی خیابان نسبتاً آرامی است. فردا حدود ساعت شش خوب است؟

عبارت‌های کلیدی این درس

Llamo por el piso anunciado برای آپارتمان آگهی‌شده زنگ زدم

¿Sigue disponible? هنوز موجود است؟

¿Qué incluye el alquiler? اجاره چه چیزهایی را شامل می‌شود؟

La fianza ودیعه، پول تضمین

Por adelantado پیش‌پرداخت، از قبل

Dar a la calle / a un patio رو به خیابان / رو به حیاط بودن

Sobre las seis حدود ساعت شش (نه دقیقاً)

واژگان مسکن

el inquilino – مستأجر

el casero – صاحب‌خانه

el piso / el departamento – آپارتمان (اسپانیا / آمریکای لاتین)

la calefacción – سیستم گرمایش

los gastos – هزینه‌ها

la comunidad – شارژ ساختمان

amueblado – مبله

el aval – ضامن

la nómina – فیش حقوقی (برای قرارداد)

el portal – ورودی ساختمان

el ascensor – آسانسور

el contrato de alquiler – قرارداد اجاره

la avería – خرابی

نکته • sobre, un par de, و آن eso sí

۱) sobre las seis یعنی «حدود شش». اسپانیایی‌زبان‌ها تقریباً زمانی را با sobre یا a eso de می‌سازند، نه با cerca de.

۲) un par de preguntas یعنی «چند سؤال» – لزوماً دو تا نیست؛ مثل «دو کلمه حرف دارم» در فارسی.

۳) eso sí یک قید جمله بسیار بومی است، معنی‌اش «فقط این را هم بگویم که...» یا «البته با این شرط که...». وقتی می‌خواهید یک قید یا محدودیت را بعد از خبر خوب اضافه کنید، بی‌نظیر است.

۴) برای نام ساختمان و طبقه: tercero izquierda یعنی طبقه سوم، واحد سمت چپ – در آدرس‌ها همیشه همین‌طور نوشته می‌شود.

تمرین • این چهار جمله را بلند بگویید

1. این خانه هنوز موجود است؟ اجاره چقدر است؟

2. ودیعه چند ماه است؟

3. شارژ ساختمان داخل اجاره هست؟

4. فردا حدود ساعت پنج می‌توانم ببینمش؟

پاسخ‌ها: ۱) ¿Cuánto es el alquiler? ¿Sigue disponible el piso? ۲) ¿Cuántos meses de fianza piden? ۳) ¿La comunidad está incluida en el alquiler? ۴) ¿Puedo verlo mañana sobre las cinco?

بازار محلی (el mercado) بهترین جای تمرین اسپانیایی است: جمله‌ها کوتاه‌اند، تکرار می‌شوند و فروشنده حوصله دارد. در این درس یک ساختار گرامری مهم هم پنهان است که در «نکته» می‌بینید.

Buenos días, ¿a cuánto está el kilo de tomates?

بوئنوس دیاس، آ کوانتو ایستا ال کیلو ده توماتس؟
صبح بخیر، کیلوی گوجه چند است؟

A dos veinte. Están muy buenos, son de la huerta.

آ دوس پینته. ایستان موی بوئنوس، سن ده لا اوئرتا.
دو و بیست. خیلی خوب‌اند، محلی‌اند.

Póngame un kilo, pero que no estén muy maduros, que son para ensalada.

پُنگامه اون کیلو، پرو که نو استن موی مادوروس، که سن پارا انسالادا.
یک کیلو بدهید، ولی خیلی رسیده نباشند، چون برای سالاد است.

Estos le van bien, entonces. ¿Algo más?

ایستوس له بان بین، اینتئیس. آلگو ماس؟
پس این‌ها برای‌تان خوب است. چیز دیگری؟

Medio kilo de queso curado. ¿Y tiene aceitunas sin hueso?

مدیو کیلو ده کسو کورادو. ای تینه آسیتوناس سین هوسو؟
نیم کیلو پنیر کهنه. و زیتون بی‌هسته دارید؟

Sí, ¿cuántos gramos le pongo?

سی، کوانتوس گراموس له پُنگو؟
بله، چند گرم بریزم؟

Doscientos. Ah, y ¿me lo puede poner en dos bolsas?

دُسینتوس. آ، ای مه لو پوئده پُئر این دُس بُلَساس؟
دویست گرم. آها، می‌شود در دو کیسه بگذارید؟

Claro. Son once con ochenta.

کلارو. سن اُنسه کُن اُچنتا.
حتماً. یازده و هشتاد می‌شود.

Aquí tiene. ¿Me da el ticket, por favor?

آکی تینه. مه دا ال تیکت، پور فابور؟
بفرمایید. رسید را می‌دهید، لطفاً؟

Tome. Que tenga un buen día.

تُومه. که تَنگا اون بوئن دیا.
بفرمایید. روز خوبی داشته باشید.

عبارت‌های کلیدی این درس

کیلویی چند است؟ **¿A cuánto está el kilo?**

نیم کیلو بدهید **Póngame medio kilo**

خیلی رسیده نباشند **Que no estén muy maduros**

چیز دیگری؟ - نه ممنون، همین **¿Algo más? - Nada más, gracias**

بی‌هسته / بی‌دانه **Sin hueso / sin pepitas**

روز خوبی داشته باشید **Que tenga un buen día**

واژگان خواربار

میوه‌فروشی - **la frutería**

نانوایی - **la panadería**

ماهی‌فروشی - **la pescadería**

قصابی - **la carnicería**

یخ‌زده - **congelado**

تازه - **fresco**

تاریخ انقضا - **la fecha de caducidad**

تاریخ گذشته - **caducado**

فله‌ای - **a granel**

وزن کردن - **pesar**

چرخ خرید - **el carro**

کیسه - **la bolsa**

پیشنهاد ویژه - **la oferta**

بسته‌بندی - **el envase**

نکته - وجه التزامی، اولین بار در عمل

جمله **que no estén muy maduros** ساختار مهمی را نشان می‌دهد: وقتی ویژگی چیزی را توصیف می‌کنید که هنوز مشخص نیست کدام است، فعل به وجه التزامی (**subjuntivo**) می‌رود.

Busco un piso que sea barato. دنبال خانه‌ای هستم که ارزان باشد (هنوز پیدایش نکرده‌ام).

Vivo en un piso que es barato. در خانه‌ای زندگی می‌کنم که ارزان است (مشخص است).

همین تفاوت را در فارسی هم داریم: «خانه‌ای که ارزان باشد» در مقابل «خانه‌ای که ارزان است». اگر به این شهود فارسی اعتماد کنید، نصف کاربردهای التزامی را بدون حفظ کردن قاعده درست می‌گویید.

و آن **Que tenga un buen día**: این هم التزامی است، چون آرزو است. شکل کامل آن **Espero que tenga un buen día** بوده که کوتاه شده.

تمرین - این چهار جمله را بلند بگویید

۱. کیلوی پرتقال چند است؟

۲. یک کیلو بدهید، ولی خیلی نرم نباشند.

۳. نه ممنون، همین. رسید را می‌دهید؟

۴. دنبال یک هدیه‌ای هستم که خیلی گران نباشد.

پاسخ‌ها: ۱. ¿A cuánto está el kilo de naranjas? ۲. Póngame un kilo, pero que no estén muy blandas. ۳. Me da el ۴. Nada más, gracias.

ticket? ۴. Busco un regalo que no sea muy caro.

۲

موقعیت‌های رسمی و اداری

اینجا زبان عوض می‌شود: جمله‌ها بلندتر، لحن رسمی‌تر و وجه شرطی پرکاربردتر می‌شود. این پنج مکالمه همان موقعیت‌هایی است که در آن‌ها یک جمله اشتباه می‌تواند یعنی یک بار دیگر برگشتن، یک نوبت از دست رفته یا یک فرصت کاری سوخته.

- ۹. مصاحبه شغلی
- ۱۰. در بانک: افتتاح حساب
- ۱۱. هتل: رزرو، ورود و شکایت
- ۱۲. مطب پزشک و داروخانه
- ۱۳. امور اداری: اقامت، ثبت‌نام و مدارک

مصاحبه شغلی در اسپانیایی قالب مشخصی دارد و همان پنج-شش سؤال همیشه تکرار می‌شود. اگر جواب‌های‌تان را برای این قالب آماده کنید، بخش زبان دیگر دغدغه‌تان نیست.

Cuéntenos un poco sobre su experiencia.

کوئنتنوس اون پوکو شُبره سو اِکسپِریَنسیا.
کمی از سابقه کاری‌تان برای‌مان بگویید.

Llevo cinco años trabajando en logística, los tres últimos como responsable de almacén.

پیو سینکو آئیوس تراباخاندو این لوخیستیکا، لوس تِرس اُولتیموس کومو رِسپُنسابِله ده آلماین.
پنج سال است در حوزه لجستیک کار می‌کنم، سه سال آخر به‌عنوان مسئول انبار.

¿Y por qué le interesa este puesto?

ای پور که له اینترِسا اِسته پوئِستو؟
و چرا این موقعیت شغلی برای‌تان جالب است؟

Porque es el siguiente paso natural en mi carrera y trabajan con mercados que conozco bien.

پورکه اِس اِل سیگیئنته پاسو ناتورال این می کاررا ای تراباخان کُن مرکادوس که کُنسکو بین.
چون قدم بعدی طبیعی در مسیر کاری من است و شما با بازارهایی کار می‌کنید که خوب می‌شناسم.

¿Cuál diría que es su mayor debilidad?

کوال دیریا که اِس سو مایور دِبیلیداد؟
می‌گویید بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف‌تان چیست؟

Antes me costaba delegar. Lo he trabajado y ahora reparto tareas desde el principio del proyecto.

آنتِس مه کُستابا دِلگار. لو هِه تراباخادو ای آئورا رپارتو تارئاس دِسده اِل پرینسیپیو دل پروئِکتو.
قبلاً واگذار کردن کار برایم سخت بود. روی آن کار کرده‌ام و الان از ابتدای پروژه کارها را تقسیم می‌کنم.

¿Y qué expectativas salariales tiene?

ای که اِکسپِکتاتیواس سالاریالس تینه؟
و انتظار حقوقی‌تان چقدر است؟

Estoy abierto a negociarlo, pero me gustaría saber primero la banda que manejan para este puesto.

اِستوی آپیِرتو آ نِگوسیارلو، پرو مه گوستاریا سابر پریمرو لا باندای که مانِخان پارا اِسته پوئِستو.
آماده گفت‌وگو درباره آن هستم، ولی اول می‌خواستم بدانم بازه حقوقی شما برای این موقعیت چقدر است.

Le diremos algo la semana que viene.

له دیرموس آ لگو لا سیمانا که بینه.
هفته آینده خبرتان می‌کنیم.

عبارت‌های کلیدی این درس

Llevo cinco años trabajando en... پنج سال است در ... کار می‌کنم

¿Por qué le interesa este puesto? چرا این موقعیت برای‌تان جالب است؟

Antes me costaba... قبلاً ... برایم سخت بود

Disponibilidad para viajar امکان سفر کاری

Expectativas salariales انتظار حقوقی

La banda salarial بازه حقوقی

Le diremos algo خبرتان می‌کنیم

واژگان کار و استخدام

el puesto – موقعیت شغلی

la oferta de empleo – آگهی شغلی

el curriculum / el CV – رزومه

el contrato indefinido – قرارداد دائم

media jornada – نیمه‌وقت

a jornada completa – تمام‌وقت

la incorporación – تاریخ شروع به کار

el sueldo bruto / neto – حقوق ناخالص / خالص

las prácticas – کارآموزی

el jefe / la jefa – رئیس

el periodo de prueba – دوره آزمایشی

las referencias – معرفی‌ها

el teletrabajo – دورکاری

نکته · gerundio + زمان + llevar! ساختاری که بدون آن نمی‌شود از سابقه گفت

فارسی‌زبان‌ها اینجا تقریباً همیشه اشتباه می‌کنند و می‌گویند **Trabajo aquí desde cinco años** – که غلط است. دو راه درست وجود دارد:

Llevo cinco años trabajando aquí. ← رایج‌ترین و طبیعی‌ترین

Trabajo aquí desde hace cinco años. ← درست و کمی رسمی‌تر

همین ساختار همه‌جا کار می‌کند: **Llevo dos meses estudiando español · Llevo media hora esperando.**

و یک تذکر درباره ضعف‌ها: جواب استاندارد در فرهنگ کاری اسپانیایی‌زبان همیشه سه‌بخشی است: ضعف در گذشته + کاری که برای رفعش کرده‌اید + وضعیت فعلی. اگر بگویید ضعیفی ندارید، پاسخ‌تان ضعیف تلقی می‌شود.

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. سه سال است که به‌عنوان مهندس کار می‌کنم.

2. چرا این موقعیت برای‌تان جالب است؟

3. آماده گفت‌وگو درباره حقوق هستم.

4. شش ماه است که اسپانیایی می‌خوانم.

پاسخ‌ها: ۱. Llevo tres años trabajando como ingeniero. ۲. ¿Por qué le interesa este puesto? ۳. Estoy abierto a negociar el sueldo. ۴. Llevo seis meses estudiando español.

کارمند بانک با وجه شرطی حرف می‌زند (le pediría, sería) — که اینجا «اگر» نیست، ادب است.

Buenos días, quería abrir una cuenta.

بوئنوس دیاس، کُریا آبریر اونا کوئنتا.
صبح بخیر، می‌خواستم حساب باز کنم.

¿Es usted residente?

اِس اوسْتِد رِسیدِنْتِه؟
شما اقامت دارید؟

Todavía no, lo tengo en trámite. ¿Puedo abrirla mientras tanto?

تودابیا نو، لو تَنگو اِن ترامیتِه. پوئدو آبریرلا مینتراس تانتو؟
هنوز نه، در جریان است. تا آن موقع می‌توانم بازش کنم؟

Sí, sería una cuenta de no residente. Le pediría el pasaporte y un justificante de domicilio.

سی، سِریا اونا کوئنتا ده نو رِسیدِنْتِه. له پدیریا اِل پاساپورته ای اون خوستیفیکانته ده دومیسیلیو.
بله، حساب غیرمقیم می‌شود. پاسپورت و مدرک محل سکونت لازم است.

Los tengo aquí. ¿Qué comisiones tiene la cuenta?

لوس تَنگو آکی. که گُمیسیونس تِینِه لا کوئنتا؟
همراهم هستند. این حساب چه کارمزدهایی دارد؟

Si domicilia una nómina, no hay comisión de mantenimiento. Si no, son cuatro euros al mes.

سی دومیسیلیا اونا نومینا، نو آی گُمیسیون ده مانتَنیمینتو. سی نو، سُن کواترو ائوروس آل مِس.
اگر حقوق‌تان به این حساب واریز شود، کارمزد نگهداری ندارد؛ وگرنه ماهی چهار یورو.

¿Y las tarjetas?

ای لاس تارخَتاس؟
کارت‌ها چطور؟

La de débito es gratuita; la de crédito tiene una cuota anual de treinta euros.

لا ده دِبیِتو اِس گِراتوئیتا؛ لا ده کِردیتو تِینِه اونا کوئوتا آنوال ده تِرینتا ائوروس.
کارت نقدی رایگان است؛ اعتباری سالی سی یورو حق عضویت دارد.

¿Puedo hacer transferencias internacionales?

پوئدو آسِر ترانسفِرَنسیاس اینترناسیونالِس؟
می‌توانم حواله بین‌المللی بزنم؟

Sí, aunque las de fuera de la zona euro llevan comisión. La cuenta queda operativa hoy.

سی، آئونکه لاس ده فوئِرا ده لا سونا ائورو پِیان گُمیسیون. لا کوئنتا کِدا اُپِراتیوا اُی.
بله، هرچند حواله به بیرون از منطقه یورو کارمزد دارد. حساب امروز فعال می‌شود.

عبارت‌های کلیدی این درس

می‌خواستم حساب باز کنم — «می‌خواستم» مؤدبانه‌تر از «می‌خواهم» است **Quería abrir una cuenta**

در جریان اداری است، در حال پیگیری **Lo tengo en trámite**

در این فاصله، تا آن موقع **Mientras tanto**

مدرک اثبات محل سکونت **Un justificante de domicilio**

کارمزدها **Las comisiones**

پرداخت/دریافت خودکار از حساب **Domiciliar**

فعال می‌شود، قابل استفاده می‌شود **Queda operativa**

واژگان بانکی

la retirada — برداشت

el ingreso — واریز

el saldo — موجودی

la cuenta corriente — حساب جاری

el extracto — صورت حساب

el recibo — رسید، قبض

la transferencia — حواله

el cajero automático — خودپرداز

el plazo — مهلت، سرمدت

el préstamo — وام

la clave — رمز

el titular — صاحب حساب

نکته · شرطی، زبان ادب در موقعیت‌های رسمی

در بانک، اداره و دفتر وکالت، هر دو طرف جمله‌هایشان را به وجه شرطی می‌برند تا لحن نرم شود. این جمله‌ها هیچ «اگر»ی ندارند:

Quería / Quisiera abrir una cuenta. (به جای **Quiero**)

Le pediría el pasaporte. (به جای **Le pido**)

Me gustaría saber... (به جای **Quiero saber**)

قاعده ساخت شرطی از همه ساده‌تر است: مصدر کامل را بگیرید و پایانه‌های **-ía, -ías, -ía, -íamos, -íais, -ían** را بچسبانید. **hablar**

→ hablaría · comer → comería · vivir → viviría · tener → tendría و

hacer → haría

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

۱. می‌خواستم بدانم این حساب چه کارمزدی دارد.

۲. پاسپورتم را همراه دارم، ولی مدرک محل سکونت نه.

۳. امکان‌ش هست کارت را به آدرس دیگری بفرستید؟

۴. مدارکم در جریان اداری است.

پاسخ‌ها: ۱. **Me gustaría saber qué comisiones tiene esta cuenta.** ۲. **Traigo el pasaporte, pero no el justificante de domicilio.** ۳. **Tengo los documentos en trámite.** ۴. **¿Sería posible enviar la tarjeta a otra dirección?**

ورود به هتل ساده است؛ سختی کار آنجاست که چیزی خراب باشد و بخواهید بی‌آنکه بی‌ادب شوید، حلش کنید. نیمه دوم این مکالمه همان است.

Buenas noches, tengo una reserva a nombre de Ahmadi.

بوئناس نوچس، تنگو اونا رِسرِبا آ نُمِبره ده آحمادی.
شب بخیر، به نام احمدی رزرو دارم.

Déjeme ver... Sí, una habitación doble para tres noches. ¿Me deja el pasaporte?

دِخِمِه بِر... سی، اونا آبیِتاسیون دُبلِه پارا تِرس نوچس. مه دِخا اِل پاساپورته؟
اجازه بدهید ببینم... بله، یک اتاق دوتخته برای سه شب. پاسپورت‌تان را می‌دهید؟

Aquí tiene. Pedí una habitación tranquila, ¿da a la calle?

آکی تِینِه. پِدی اونا آبیِتاسیون ترانکیلا، دا آ لا کایه؟
بفرمایید. اتاق آرام درخواست کرده بودم، رو به خیابان است؟

Le he asignado la 304, que da al patio interior. El desayuno es de siete a diez y media.

له ئِه آسِیگنادو لا تِرس بِدرو کوآترو، که دا آل پاتیو اینتریور. اِل دِسایونو اِس ده سِپته آ دِیس ای مدیا.
اتاق ۳۰۴ را برای‌تان گذاشتم که رو به حیاط داخلی است. صبحانه از هفت تا ده و نیم است.

Perdone, vengo a comentarle un problema: el aire acondicionado no funciona.

پِرْدَنِه، بِنگو آ گُمَنتارله اون پروبِلِما: اِل آیرِه آگُنْدِیسِیونادو نو فونسیونا.
بخشید، آمدم یک مشکلی را بگویم: کولر کار نمی‌کند.

Cuánto lo siento. Aviso ahora mismo a mantenimiento.

کوانتو لو سِینتو. آبیسو آئورا میسمو آ مانِتِنِیمِینتو.
خیلی متأسفم. همین الان به تعمیرات خبر می‌دهم.

Si no se puede arreglar hoy, ¿habría posibilidad de cambiar de habitación?

سی نو سه پوئده آرگَلار اُی، آبریا پوسیِبیلیداد ده کامبیار ده آبیِتاسیون؟
اگر امروز درست نشود، امکان تغییر اتاق وجود دارد؟

Por supuesto. Le busco otra de la misma categoría.

پور سوپوِستو. له بوسکو اُترا ده لا میسما کاتِگوریا.
البته. یکی دیگر از همان درجه برای‌تان پیدا می‌کنم.

Se lo agradezco. Una última cosa: ¿se puede dejar la maleta después del check-out?

سه لو آگرادِسکو. اونا اولتِیما کوسا: سه پوئده دِخار لا مالِتا دِسپوِئس دِل چِک‌اُوت؟
ممنونم. یک چیز دیگر: بعد از تخلیه اتاق می‌توانم چمدان را بگذارم؟

Sí, tenemos consigna hasta las ocho de la tarde.

سی، تِنِموس کُنسیگنا آستا لاس اُچو ده لا تارده.
بله، تا ساعت هشت شب امانت‌داری داریم.

عبارت‌های کلیدی این درس

به نام ... رزرو دارم	Tengo una reserva a nombre de...
آدم مشکلی را مطرح کنم – مؤدبانه‌ترین شکل شکایت	Vengo a comentarle un problema
کار نمی‌کند	No funciona
امکانش وجود دارد که...؟	¿Habría posibilidad de...?
خیلی متأسفم	Cuánto lo siento
از شما ممنونم – رسمی‌تر از gracias	Se lo agradezco
محل نگهداری چمدان	La consigna

واژگان هتل و سفر

el alojamiento – اقامتگاه	la cama de matrimonio – تخت دونفره	la habitación individual – اتاق یک‌نفره
la factura – صورت‌حساب	la recepción – پذیرش	las toallas – حوله‌ها
		la llave / la tarjeta – کلید اتاق
		la calefacción – بخاری، گرمایش

نکته · نردبان شکایت کردن، از نرم به محکم

فارسی‌زبان‌ها معمولاً یا خیلی نرم شکایت می‌کنند (و نتیجه نمی‌گیرند) یا یک‌باره تند می‌شوند. اسپانیایی نردبان مشخصی دارد؛ از پلهٔ اول شروع کنید و فقط اگر جواب نگرفتید بالا بروید:

۱. Perdona, vengo a comentarle un problema...

۲. ¿Habría alguna manera de solucionarlo?

۳. Entiendo que no depende de usted, pero necesito una solución hoy.

۴. Me gustaría hablar con el responsable.

۵. Quisiera poner una reclamación por escrito.

پلهٔ سوم جادویی است: طرف مقابل را از حالت دفاعی بیرون می‌آورد و او را هم‌تیمی شما می‌کند.

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

۱. به نام محمدی رزرو دارم، برای دو شب.

۲. آدم یک مشکل را بگویم: آب گرم نیست.

۳. امکانش هست اتاق را عوض کنیم؟

۴. می‌خواستم با مسئول صحبت کنم.

پاسخ‌ها: ۱. Vengo a comentarle un problema: no hay agua. ۲. Tengo una reserva a nombre de Mohammadi, para dos noches. ۳. ¿Habría posibilidad de cambiar de habitación? ۴. Me gustaría hablar con el responsable.

دو صحنه: اتاق معاینه، و بعد داروخانه. ساختار **con + مدت + llevo** کلید توصیف هر وضعیتی است که مدتی ادامه داشته.

Cuénteme, ¿qué le pasa?

کوئنتمه، که له پاسا؟
بگویید، چه مشکلی دارید؟

Llevo tres días con dolor de garganta y me cuesta tragar.

پیو ترس دیاس گُن دولور ده گارگانتا ای مه کُستا تراگار.
سه روز است گلودرد دارم و قورت دادن برایم سخت است.

¿Ha tenido fiebre?

آ تَینیدو فیبره؟
تب داشته‌اید؟

Ayer tuve treinta y ocho y medio.

آیر توبه ترینتا ای اُچو ای مَدیو.
دیروز سی‌وهشت و نیم داشتم.

¿Es alérgico a algún medicamento?

اِس آلرخیکو آ آَلگون مَدیکامنتو؟
به دارویی حساسیت دارید؟

No, a ninguno que yo sepa.

نو، آ نینگونو که یو سِپا.
نه، تا جایی که می‌دانم به هیچ‌کدام.

Le receto algo. Si en tres días no mejora, vuelva a pedir cita.

له رِستو آَلگو. سی ان ترس دیاس نو مِخورا، بوئلبا آ پَدر سِیتا.
دارویی برای‌تان می‌نویسم. اگر تا سه روز بهتر نشدید، دوباره وقت بگیرید.

Buenas, traigo esta receta. ¿Me explica cómo se toma?

بوئناس، تراِیگو اِستا رِسِتا. مه اِکسپلیکا کومو سه توما؟
سلام، این نسخه را آورده‌ام. توضیح می‌دهید چطور مصرف می‌شود؟

Un comprimido cada ocho horas, después de las comidas. ¿Lo quiere genérico?

اون گُمپریمیدو کادا اُچو اُراس، دِسپوئِس ده لاس کومیداس. لو کِپره خَنریکو؟
یک قرص هر هشت ساعت، بعد از غذا. نوع ژنریکش را می‌خواهید؟

Sí, si es más barato. ¿Y tiene algo para la garganta sin receta?

سی، سی اِس ماس باراتو. ای تِینه آَلگو پارا لا گارگانتا سین رِسِتا؟
بله، اگر ارزان‌تر است. و چیزی برای گلو بدون نسخه دارید؟

عبارت‌های کلیدی این درس

چه مشکلی دارید؟ - سؤال همیشگی پزشک **¿Qué le pasa?**

سه روز است که ... دارم **Llevo tres días con...**

... کردن برایم سخت است **Me cuesta + مصدر**

به ... حساسیت دارید؟ **¿Es alérgico a...?**

تا جایی که می‌دانم **Que yo sepa**

هر هشت ساعت **Cada ocho horas**

بدون نسخه **Sin receta**

واژگان بدن و درمانگاه

la muela - دندان آسیاب

la espalda - کمر، پشت

el estómago - معده

la garganta - گلو

la cabeza - سر

la sala de espera - اتاق انتظار

la cita previa - وقت قبلی

la muñeca - مچ دست

el tobillo - قوزک پا

urgencias - اورژانس

la pomada - پماد

el jarabe - شربت

la radiografía - عکس برداری

el análisis - آزمایش

نکته · فعل **doler** برعکس فارسی کار می‌کند

در فارسی می‌گوییم «سرم درد می‌کند» - فاعل «سر» است. در اسپانیایی، عضو بدن هم فاعل است ولی جمله با ضمیر مفعولی شروع می‌شود و فعل با عضو مطابقت می‌کند، نه با شما:

Me duele la cabeza. سرم درد می‌کند. (یک عضو ← فعل مفرد)

Me duelen las muelas. دندان‌هایم درد می‌کنند. (چند عضو ← فعل جمع)

¿Le duele aquí? اینجا درد دارید؟

دقت کنید که «م» فارسی به ضمیر ملکی ترجمه نمی‌شود: نگوید **Me duele mi cabeza** - در اسپانیایی همان **la cabeza** کافی است و **mi** اضافی و غیربومی است.

دو فعل مشابه با همین ساختار: **me gusta** (خوشم می‌آید) و **me cuesta** (برایم سخت است) - هر سه با ضمیر مفعولی می‌آیند.

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. دو روز است کمرم درد می‌کند.

2. خوابیدن برایم سخت است.

3. تا جایی که می‌دانم به دارویی حساسیت ندارم.

4. این دارو را هر چند ساعت باید بخورم؟

پاسخ‌ها: ۱. **Llevo dos días con dolor de espalda.** ۲. **Me cuesta dormir.** ۳. **No soy alérgico a ningún medicamento, que yo sepa.** ۴. **¿Cada cuántas horas tengo que tomar este medicamento?**

زبان اداری واژگان خودش را دارد و اگر آن‌ها را ندانید، کارمند پشت باجه سه بار یک چیز را تکرار می‌کند و شما باز هم نمی‌فهمید. این درس همان واژگان است.

Buenos días, vengo a por el certificado de empadronamiento.

بوئنوس دیاس، بنگو آ پور ال سِرتیفیکادو ده ایمپادرونامینتو.
صبح بخیر، آمده‌ام گواهی سکونت را بگیرم.

¿Ha pedido cita previa?

آ پدیدیو سیتا پربیا؟
وقت قبلی گرفته‌اید؟

Sí, a las once, a nombre de Ahmadi.

سی، آ لاس اُنسه، آ نُمبره ده آحمادی.
بله، ساعت یازده، به نام احمدی.

Perfecto. ¿Me deja el pasaporte y un justificante de domicilio?

پرفکتو. مه دِخا ال پاساپورته ای اون خوستیفیکانته ده دومیسیلیو؟
عالی. پاسپورت و یک مدرک محل سکونت می‌دهید؟

El contrato de alquiler, ¿le sirve?

ال گُنتراتو ده آلفکیلر، له سیربه؟
قرارداد اجاره به کارتان می‌آید؟

Sí. ¿Lo necesita para algún trámite en concreto?

سی. لو نیسیستا پارا آلگون ترامیتِه این گُنکرتو؟
بله. برای کار اداری خاصی لازمش دارید؟

Para la matrícula de la universidad. También me piden la traducción jurada de mi título.

پارا لا ماتریکولا ده لا اونیورسیداد. تامبین مه پیدن لا ترادوکسیون خورادا ده می تیتولو.
برای ثبت نام دانشگاه. ترجمه رسمی مدرکم را هم از من خواسته‌اند.

Eso se hace en otra ventanilla. Le doy el impreso para que lo rellene.

اِسو سه آسه این اُترا وِنَتانیا. له دُی ال ایمپرسو پارا که لو رینه.
آن در باجه دیگری انجام می‌شود. فرمش را می‌دهم که پرش کنید.

¿Cuánto tarda en salir el certificado? ¿Y hay que pagar alguna tasa?

کوانتو تاردا این سالیر ال سِرتیفیکادو؟ ای آی که پاگار آگونا تاسا؟
گواهی چقدر طول می‌کشد صادر شود؟ و عوارضی باید پرداخت شود؟

Este es gratuito y se lo doy ahora. Tiene una validez de tres meses.

اِسته اِس گراتوئیتو ای سه لو دُی آئورا. تینه اونا بالیدِس ده ترس مِیس.
این یکی رایگان است و همین الان می‌دهم. سه ماه اعتبار دارد.

عبارت‌های کلیدی این درس

آمده‌ام ... را بگیرم (در اسپانیا) **Vengo a por...**

وقت قبلی - بدون آن معمولاً پذیرش نمی‌شوید **La cita previa**

... به کارتان می‌آید؟ قبول است؟ **¿Le sirve...?**

یک کار اداری مشخص **Un trámite en concreto**

فرم **El impreso / el formulario**

باجه **La ventanilla**

عوارض، هزینه اداری **La tasa**

... اعتبار دارد **Tiene una validez de...**

واژگان بروکراسی

امضا - **la firma**

مهر زدن - **sellar**

پر کردن فرم - **rellenar**

کاغذبازی - **el papeleo**

کار اداری - **el trámite**

ارزشیابی مدرک - **la homologación**

ترجمه رسمی - **la traducción jurada**

کپی برابر اصل - **la copia compulsada**

پاسخ رسمی پرونده - **la resolución**

رفع نقص مدارک - **subsana**

مهلت - **el plazo**

نکته - دو نکته زبانی و یک هشدار کاربردی

۱) **ir/venir a por algo** در اسپانیا یعنی «رفتن/آمدن برای گرفتن چیزی». در آمریکای لاتین این **a por** به کار نمی‌رود و می‌گویند **vengo por el certificado**. هر دو را بشناسید، یکی را به کار ببرید.

۲) **para que + subjuntivo** ساختار «برای این‌که» است و همیشه التزامی می‌گیرد: **Le doy el impreso para que lo rellene**. این یکی قاعده بدون استثناست؛ همین یک مورد را که بسپارید، در نامه‌های اداری خیلی به کارتان می‌آید.

۳) **هشدار کاربردی**: برای مدارک صادرشده در ایران معمولاً دو چیز جدا لازم می‌شود: **la traducción jurada** (ترجمه رسمی) و **la legalización** (تأیید و مهر). قبل از هر مراجعه بپرسید **¿Qué documentos exactamente necesito?** - یک تماس، یک سفر بی‌نتیجه را حذف می‌کند.

تمرین - این چهار جمله را بلند بگویید

- آمده‌ام گواهی را بگیرم. وقت قبلی هم دارم.
- قرارداد اجاره به کارتان می‌آید یا مدرک دیگری لازم است؟
- این فرم را برای چه کاری باید پر کنم؟
- این گواهی چند ماه اعتبار دارد؟

پاسخ‌ها: ۱. **Vengo a por el certificado. Tengo cita previa.** ۲. **¿Le sirve el contrato de alquiler o necesita otro documento?** ۳. **Para** ۴. **¿Cuántos meses de validez tiene este certificado?** ۵. **qué trámite tengo que rellenar este impreso?**

۳

گفت‌وگوی پیشرفته

در این بخش از «رساندن پیام» عبور می‌کنیم و به «حرف زدن مثل یک بزرگسال بالغ» می‌رسیم: نظر دادن بدون تحکم، مخالفت بدون درگیری، تعریف خاطره با زمان‌های درست، و ساختن فرض و آرزو. اینجا وجه التزامی و شرطی از یک بحث گرامری به ابزار روزمره تبدیل می‌شوند.

- ۱۴. ابراز نظر، موافقت و مخالفت مؤدبانه
- ۱۵. جلسه کاری و چانه‌زنی
- ۱۶. شکایت رسمی و پیگیری تا آخر
- ۱۷. تعریف کردن خاطره و داستان‌گویی
- ۱۸. فرض، آرزو و پشیمانی
- ۱۹. بحث اجتماعی و گفت‌وگوی فرهنگی

دو همکار دربارهٔ دورکاری بحث می‌کنند. هیچ‌کدام نمی‌گویند «اشتباه می‌کنی»؛ مخالفت با تأیید جزئی شروع می‌شود.

A mí me parece que el teletrabajo ha venido para quedarse.

آ می مه پارسه که ال تله‌تراباخو آ پنیډو پارا کدارسه.
به نظر من دورکاری آمده که بماند.

Hombre, en parte sí, pero no creo que funcione igual en todos los sectores.

اُمبره، اِن پارتِه سی، پِرو نو کرئو که فونسیونه ایگوال اِن تودوس لوس سِکتورِس.
خب، تا حدی بله، ولی فکر نمی‌کنم در همهٔ صنایع یک‌جور جواب بدهد.

¿Por qué lo dices?

پور که لو دیسیس؟
چرا این را می‌گویی؟

Porque no es lo mismo programar que atender a un cliente en persona.

پورکه نو اِس لو میسمو پروگرامار که آتندِر آ اون کلینته اِن پرسونا.
چون برنامه‌نویسی با رسیدگی حضوری به مشتری یکی نیست.

En eso te doy la razón. Aunque también es verdad que muchas empresas lo usan como excusa.

اِن اِسو ته دُی لا رازُن. آئونکه تامپِن اِس برِداد که موچاس اِمپرساس لو اوسان کومو اِکسکوسا.
در این مورد حق با توست. هرچند خیلی شرکت‌ها هم از آن بهانه می‌سازند.

Estoy de acuerdo hasta cierto punto. Lo que no veo claro es cómo mides el rendimiento.

اِستوی ده آکوئردو آستا سپرتو پونتو. لو که نو پئو کلارو اِس کومو میډس اِل رِنډیمپنتو.
تا یک جایی موافقم. آن‌چه روشن نیست این است که بازدهی را چطور می‌سنجی.

Yo diría que se mide por resultados, no por horas.

یو دیریا که سه میده پور رِسولتادوس، نو پور اُراس.
من می‌گویم با نتیجه سنجیده می‌شود، نه با ساعت.

Puede ser. De todas formas, habría que probarlo antes de decidir.

پوئده سِر. ده توداس فُرماس، آبریا که پروبارلو آنتِس ده دِسیدیر.
ممکن است. در هر حال، باید قبل از تصمیم امتحانش کرد.

¿Y tú qué harías si te lo propusieran?

ای تو که آریاس سی ته لو پروپوسیران؟
و تو اگر به تو پیشنهادش می‌کردند چه می‌کردی؟

Aceptaría dos días en casa y tres en la oficina.

آسِپتاریا دُس دیاس اِن کاسا ای تِرس اِن لا اُفیسینا.
دو روز خانه و سه روز اداره را قبول می‌کردم.

عبارت‌های کلیدی این درس

به نظر من...	A mí me parece que...
فکر نمی‌کنم که...	No creo que + التزامی
در این مورد حق با توست	En eso te doy la razón
تا یک جایی، تا حدی	Hasta cierto punto
آنچه برایم روشن نیست این است که...	Lo que no veo claro es...
من می‌گویم... - نرم‌تر از «معتقدم»	Yo diría que...
در هر حال	De todas formas
باید ... کرد (بدون فاعل مشخص)	Habría que...

نکته · قاعده‌ای که با آن یک سطح بالا می‌روید

فعل باور و نظر در حالت مثبت ← خبری. در حالت منفی ← التزامی.

Creo que es buena idea. فکر می‌کنم فکر خوبی است.

No creo que sea buena idea. فکر نمی‌کنم فکر خوبی باشد.

همین برای **pensar, parecer, estar seguro** هم صادق است. منطقش این است که نفی، قطعیت را برمی‌دارد و اسپانیایی برای «قطعی نبودن» وجه جداگانه دارد.

و یک نکته فرهنگی: **Hombre...** در ابتدای جمله یک قید گفتاری است، ربطی به «مرد» ندارد و خطاب به زن هم گفته می‌شود. معنی‌اش چیزی شبیه «خب...» یا «ببین...» است و نشان می‌دهد که می‌خواهید با تحفظ موافقت کنید.

ساختار طلایی مخالفت: تأیید جزئی + **pero** + دلیل. مثل **En parte sí, pero...** یا **Te entiendo, pero...**

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. فکر نمی‌کنم این راه‌حل خوبی باشد.
2. تا حدی موافقم، ولی هزینه‌اش را در نظر نگرفته‌ای.
3. آن‌چه برایم روشن نیست این است که چه کسی تصمیم می‌گیرد.
4. در هر حال، باید اول امتحانش کرد.

پاسخ‌ها: ۱. **No creo que sea una buena solución.** ۲. **Estoy de acuerdo hasta cierto punto, pero no has tenido en cuenta el coste.** ۳. **De todas formas, habría que probarlo primero.** ۴. **Lo que no veo claro es quién decide.**

یک جلسه واقعی مذاکره بر سر قیمت. تقریباً تمام جمله‌های این مکالمه در وجه شرطی‌اند – چون در مذاکره هیچ‌کس چیزی را قطعی نمی‌گوید تا راه برگشت باز بماند.

Antes de nada, gracias por recibirnos. ¿Han podido revisar la propuesta?

آنتس ده نادا، گراسیاس پور رسیبیرنوس. آن پودیدو ربیسار لا پروپوئستا؟
پیش از هر چیز، ممنون که ما را پذیرفتید. فرصت کردید پیشنهاد را بررسی کنید؟

Sí, y en general nos encaja. El problema es el precio.

سی، ای این خنرال نُس اینکاخا. ال پروبلیما اِس ال پرسیو.
بله، و در کل با ما جور است. مشکل قیمت است.

¿Qué margen tendríamos para ajustarlo?

که مارخن تندریموس پارا آخوستارلو؟
چه حاشیه‌ای برای تنظیمش داریم؟

Necesitaríamos bajar un diez por ciento para poder aprobarlo internamente.

نیسیتاریاموس باخار اون دیس پور سینتو پارا پودر آپروبارلو اینترنامنته.
لازم داریم ده درصد پایین بیاید تا بتوانیم در داخل تأییدش کنیم.

Un diez es mucho. Podríamos llegar a un cinco si ampliamos el contrato a dos años.

اون دیس اِس موچو. پودریاموس یگار آ اون سینکو سی آمپلیاموس ال کُنتراتو آ دُس آنیوس.
ده درصد زیاد است. اگر قرارداد را به دو سال گسترش دهیم، می‌توانیم به پنج برسیم.

Eso tendría sentido. ¿Y el plazo de entrega se mantendría?

اِسو تندرِیا سِنتیدو. ای ال پلاسو ده اینترگا سه مانتِندریا؟
این منطقی است. و زمان تحویل ثابت می‌ماند؟

Se mantendría, siempre que confirmen el pedido antes de fin de mes.

سه مانتِندریا، سِیمپره که کُنفرِمن ال پدِیدو آنتِس ده فِین ده مِس.
ثابت می‌ماند، به شرط آن‌که سفارش را قبل از پایان ماه تأیید کنید.

Déjeme consultarlo con dirección. ¿Le parece si le digo algo el jueves?

دِخمه کُنسولتارلو کُن دِیرکسیون. له پارسه سی له دیگو آلگو ال خوئِس؟
اجازه بدهید با مدیریت مشورت کنم. موافقید که پنجشنبه خبر بدهم؟

Perfecto. Le mando un resumen por correo con lo que hemos acordado.

پرفکتو. له ماندو اون رِسومِین پور کُرّو کُن لو که اِموس آکُردادو.
عالی. خلاصه‌ای از آنچه توافق کردیم را ایمیل می‌کنم.

Muy bien. Y si hay cambios, lo vemos en la próxima reunión.

موی بِن. ای سی آی کامبیوس، لو پِموس اِن لا پروکسیما رِئونیون.
بسیار خوب. و اگر تغییری بود، در جلسه بعدی بررسی می‌کنیم.

عبارت‌های کلیدی این درس

پیش از هر چیز	Antes de nada
با ما جور است، مناسب ماست	Nos encaja
چه حاشیه‌ای داریم؟	¿Qué margen tendríamos?
این منطقی است	Eso tendría sentido
به شرط آن‌که...	Siempre que + التزامی
با مدیریت مشورت کردن	Consultarlo con dirección
موافقید که...؟	¿Le parece si...?
آن چه توافق کرده‌ایم	Lo que hemos acordado

واژگان جلسه و قرارداد

el plazo de entrega – زمان تحویل	el pedido – سفارش	la propuesta – پیشنهاد	el presupuesto – پیش‌فاکتور، بودجه
el orden del día – دستور جلسه	el acta – صورت‌جلسه	el descuento por volumen – تخفیف حجمی	
por escrito – کتبی	el proveedor – تأمین‌کننده	la penalización – جریمه	la cláusula – بند قرارداد

نکته · سه ابزار زبانی مذاکره

- شرطی به جای حال. **Podríamos llegar a un cinco** (می‌توانستیم به پنج برسیم) به جای **Podemos**. شرطی پیشنهاد را به یک «احتمال» تبدیل می‌کند، پس اگر رد شد، کسی امتیاز نداده است.
- شرط‌گذاری با التزامی. **siempre que**، **a condición de que** و **con tal de que** همه «به شرط آن‌که» هستند و همه التزامی می‌گیرند: **Se mantendría, siempre que confirmen...**
- بستن جلسه با نوشته. جمله **Le mando un resumen con lo que hemos acordado** در فرهنگ کاری اسپانیایی‌زبان استاندارد است و توافق شفاهی را تثبیت می‌کند. اگر یک جمله از این درس را بردارید، همین را بردارید. و یک تله: **Déjeme consultarlo** معمولاً «نه» نیست، فقط تأخیر است.

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

- می‌توانستیم قیمت را کمی پایین بیاوریم، به شرط آن‌که حجم سفارش بیشتر شود.
- این پیشنهاد در کل با ما جور است.
- اجازه بدهید با تیمم مشورت کنم و فردا خبر بدهم.
- خلاصه توافق را کتبی می‌فرستم.

پاسخ‌ها: ۱. **Podríamos bajar un poco el precio, siempre que aumente el volumen del pedido.** · ۲. **En general, la propuesta nos encaja.** · ۳. **Déjeme consultarlo con mi equipo y le digo algo mañana.** · ۴. **Le mando por escrito un resumen de lo acordado.**

دو هفته است پول برگشتی را نگرفته‌اید و هر بار جواب متفاوتی می‌شنوید. چطور محکم باشید بی‌آن‌که بی‌ادب شوید، و مکالمه را مکتوب کنید.

Buenos días. Hace dos semanas pedí la devolución del importe y sigo sin recibirlo.

بوئنوس دیاس. آسه دُس سِماناس پدی لا دِبولوسیون دِل ایمپورته ای سیگو سین رِسیبیرلو. صبح بخیر. دو هفته پیش درخواست بازگشت وجه دادم و هنوز دریافتش نکرده‌ام.

¿Me facilita el número de pedido?

مه فاسیلیتا اِل نُمِرو ده پدِیدو؟
شماره سفارش را می‌دهید؟

Sí, es el 48-72-19. Ya he llamado dos veces y cada vez me dicen algo distinto.

سی، اِس اِل کوارِنِتا ای اُچو-سِینِتا ای دُس-دِپسینوئِبِه. یا ئه یامادو دُس بِسِس ای کادا بِس مه دیسین آَلگو دیستینتو. بله، ۴۸-۷۲-۱۹. دو بار تماس گرفته‌ام و هر بار چیزی متفاوت می‌گویند.

Entiendo su malestar. Veo que la devolución está tramitada pero no ejecutada.

اِنْتِیندو سو مَالِستار. وِئو که لا دِبولوسیون اِستا ترامیتادا پِرو نو اِخکوتادا. ناراحتی‌تان را درک می‌کنم. بازگشت وجه ثبت شده ولی اجرا نشده.

¿Y eso qué significa en la práctica? ¿Cuándo voy a ver el dinero?

ای اِسو که سیگنیفیکا اِن لا پراکتیکا؟ کِواندو بَی آ پر اِل دینِرو؟
و این در عمل چه معنایی دارد؟ کی پول را می‌بینم؟

En un plazo de cinco a siete días laborales.

اِن اون پلاسو ده سینکو آ سِپته دیاس لایورابِلِس.
در بازه پنج تا هفت روز کاری.

Eso ya me lo dijeron la semana pasada. Quisiera que quedara constancia de esta llamada.

اِسو یا مه لو دِیخرون لا سِمانا پاسادا. کِیسِپِرا که کِدارا کُنْستانسِیا ده اِستا یامادا. ممنون، ولی همین را هفته پیش هم گفتند. می‌خواهم این تماس ثبت شود.

Por supuesto, le abro una reclamación formal.

پور سوپوئِستو، له آبرو اونا رِکلاماسیون فُرمال.
البته، یک شکایت رسمی برای‌تان ثبت می‌کنم.

¿Me pueden enviar el número de reclamación por escrito?

مه پوئِدِن اِنبیار اِل نُمِرو ده رِکلاماسیون پور اِسکْرِیتو؟
می‌توانید شماره شکایت را کتبی برایم بفرستید؟

Se lo envío al correo ahora mismo.

سه لو اِنبِیو آَل کُرُئو آئورا میسمو.
همین الان به ایمیل‌تان می‌فرستم.

عبارت‌های کلیدی این درس

هنوز دریافتش نکرده‌ام	Sigo sin recibirlo
... را در اختیارم می‌گذارید؟ (رسمی)	¿Me facilita...?
هر بار چیز متفاوتی می‌گویند	Cada vez me dicen algo distinto
ناراحتی‌تان را درک می‌کنم	Entiendo su malestar
در عمل چه معنایی دارد؟	¿Qué significa en la práctica?
ثبت و مستند شود	Que quede constancia
کتبی	Por escrito
روزهای کاری	Días laborables

نکته - دو ساختار که وزن حرف‌تان را چند برابر می‌کند

۱) مصدر **seguir sin +** یعنی «هنوز ... نکرده‌ام / نشده». این ساختار از **Todavía no lo he recibido** خیلی مؤثرتر است، چون بر ادامه‌دار بودن مشکل تأکید می‌گذارد:

Seguimos sin tener acceso. · Sigo sin recibir respuesta.

۲) التزامی گذشته + **Quisiera que** رسمی‌ترین و در عین حال مؤدبانه‌ترین شکل درخواست است:

Quisiera que me lo confirmaran por escrito. · Quisiera que quedara constancia.

دقت کنید: **quisiera** (شرطی) فعل دوم را به التزامی گذشته می‌برد، نه حال. این هم‌زمانی زمان‌ها همان چیزی است که جمله را رسمی و بی‌نقص می‌کند.

یک عبارت طلایی برای بستن مکالمه: **¿Me confirma por escrito lo que acabamos de hablar?** - «آنچه همین الان گفتیم را کتبی تأیید می‌کنید؟»

تمرین - این چهار جمله را بلند بگویید

1. هنوز جوابی دریافت نکرده‌ام.
2. هر بار چیز متفاوتی به من می‌گویند.
3. می‌خواهم این تماس ثبت شود.
4. می‌توانید کتبی تأییدش کنید؟

پاسخ‌ها: ۱. Sigo sin recibir respuesta. ۲. Cada vez me dicen algo distinto. ۳. Quisiera que quedara constancia de esta llamada. ۴. ¿Me lo puede confirmar por escrito?

داستان تعریف کردن جایی است که سه زمان گذشتهٔ اسپانیایی با هم کار می‌کنند. هر سه را در عمل ببینید.

¿Te he contado cómo conocí a Marta?

ته نه گُنتادو کومو کُنسی آمارتا؟
برایت تعریف کرده‌ام چطور با مارتا آشنا شدم؟

No, cuéntame.

نو، کوئنَتامه.
نه، تعریف کن.

Fue en un viaje a Granada, hace unos ocho años. Yo estaba estudiando y no tenía ni un euro.

فوئه این اون بیاخه آگرانادا، آسه اونوس اُچو آنیوس. یو استابا استودیاندو ای نو تنیا نی اون ائورو.
در سفری به گرانادا بود، حدود هشت سال پیش. دانشجوی بودم و یک یورو هم نداشتم.

¿Y qué pasó?

ای که پاسو؟
و چه شد؟

Había reservado un hostel, pero cuando llegué resultó que la reserva no existía. Y encima estaba lloviendo.

آبیا رِسرِبادو اون اُستال، پِرو کواندو یِگه رِسولتو که لا رِسرِبا نو اِکسیستیا. ای اِنسیما استابا یوبیندو.
هاستل رزرو کرده بودم، ولی وقتی رسیدم معلوم شد رزروی وجود ندارد. از آن بدتر، باران می‌آمد.

¿Y entonces? Qué desastre.

که دِسانستره. ای اِنتُنسیس؟
عجب فاجعه‌ای. و بعد؟

Total, que entré en un bar y ella estaba allí: a ella también le habían cancelado la reserva. Acabamos buscando alojamiento juntos.

توتال، که اِنتره این اون بار ای اِیا استابا آیی: آ اِیا تامبِین له آبِیا کانسِلادو لا رِسرِبا. آکاباموس بوسکاندو آلوخامپِنتو خونتوس.
خلاصه، رفتم داخل یک بار و او آنجا بود: رزرو او را هم لغو کرده بودند. آخرش با هم دنبال جای خواب گشتیم.

Y desde entonces, ¿seguís en contacto?

ای دِسده اِنتُنسیس، سِگیس اِن گُنتاکتو؟
و از آن موقع، با هم در تماس هستید؟

Desde entonces no hemos dejado de hablar.

دِسده اِنتُنسیس نو اموس دِخادو ده آبلار.
از آن موقع دیگر حرف زدن مان قطع نشده.

عبارت‌های کلیدی این درس

برایت تعریف کرده‌ام...؟ - شروع استاندارد خاطره	Te he contado...؟
در ... بود، حدود هشت سال پیش	Fue en... hace unos ocho años
معلوم شد که...	Resultó que...
و از آن بدتر...	Y encima...
خلاصه که ... - علامت رسیدن به اصل ماجرا	Total, que...
آخرش ... کردیم	Acabamos + وجه وصفی
از آن موقع	Desde entonces
دیگر ... کردن را قطع نکرده‌ام	No he dejado de + مصدر

نکته - سه زمان گذشته، با یک تصویر که دیگر فراموش نمی‌کنید

گذشته را مثل یک فیلم ببینید:

۱. Imperfecto - دُکور و پس‌زمینه. هوا، حال شما، سن‌تان، آن‌چه در حال انجام بود: **estaba lloviendo · yo era estudiante · no**

tenía dinero. اگر بتوانید در فارسی بگویید «داشت ... می‌شد» یا «بود»، احتمالاً imperfecto است.

۲. Pretérito - اتفاق‌های خودِ داستان. هر کاری که شروع و پایان روشن دارد و ماجرا را جلو می‌برد: **llegué · entré · conocí · acabamos**

۳. Pluscuamperfecto - آن‌چه پیش از این‌ها اتفاق افتاده بود. **había reservado · le habían cancelado**. این زمان همیشه یک قدم عقب‌تر از بقیه داستان است.

یک جمله نمونه که سه‌تا را با هم دارد:

no aparecía (قبل‌تر) la reserva que había hecho (دُکور) y estaba lloviendo (اتفاق) al hotel, Cuando llegué

تمرین - این چهار جمله را بلند بگویید

۱. سه سال پیش بود. من در تهران کار می‌کردم و اسپانیایی نمی‌دانستم.
۲. وقتی رسیدم، معلوم شد دفتر بسته بود.
۳. بلیت را از قبل خریده بودم.
۴. خلاصه که آخرش با تاکسی رفتیم.

پاسخ‌ها: ۱. **Cuando llegué, resultó que la oficina estaba cerrada. ۲. Fue hace tres años. Yo trabajaba en Teherán y no sabía español. ۳. Total, que acabamos yendo en taxi. ۴. Había comprado el billete con antelación.**

«اگر وقت داشتم...»، «ای کاش می‌توانستم...»، «پشیمانم که نگفتم...» - سه چیزی که هر روز به فارسی می‌گویید و بی آن‌ها اسپانیایی‌تان بزرگسال نمی‌شود.

Si tuviera más tiempo, me apuntaría a un curso intensivo.

آ

سی توپیرا ماس تیمپو، مه آپونتاریا آ اون کورسو اینتَنسیوو.

اگر وقت بیشتری داشتم، در یک دوره فشرده ثبت‌نام می‌کردم.

¿Y por qué no lo haces por las tardes?

ب

ای پور که نو لو آیس پور لاس تاردس؟
و چرا بعدازظهرها این کار را نمی‌کنی؟

Ojalá pudiera, pero salgo muy tarde del trabajo.

آ

اُخالا پودیرا، پرو سالگو موی تارده دل تراباخو.

ای کاش می‌توانستم، ولی از سر کار خیلی دیر بیرون می‌آیم.

Si yo fuera tú, hablaría con tu jefe. Igual te deja salir antes dos días.

ب

سی یو فوئرا تو، آبلاریا گُن تو خفه. ایگوال ته دِخا سالیِر آنتِس دُس دیاس.
من اگر جای تو بودم، با رئیس‌ت حرف می‌زدم. شاید بگذارد دو روز زودتر بروی.

No creo que acepte. De haberlo pedido en enero, quizá sí.

آ

نو کرئو که آسپته. ده آپرلو پِدیِدو اینِئرو، کیسا سی.
فکر نمی‌کنم قبول کند. اگر ژانویه درخواست کرده بودم، شاید بله.

Nunca se sabe. Yo, de ti, lo intentaría.

ب

نونکا سه سابه. یو، ده تی، لو اینتِنتاریا.
هیچ‌وقت معلوم نیست. من جای تو، امتحانش می‌کردم.

Puede que tengas razón. Si me dijera que sí, cambiaría muchas cosas.

آ

پوئده که تَنگاس راشَن. سی مه دیخِرا که سی، کامبیاریا موچاس کوساس.
ممکن است حق با تو باشد. اگر بگوید بله، خیلی چیزها عوض می‌شود.

Y si te dice que no, tampoco pierdes nada.

ب

ای سی ته دیسه که نو، تامپوکو پِیرِدِس نادا.
و اگر بگویند نه، چیزی هم از دست نمی‌دهی.

Tienes razón. Me arrepiento de no haberlo pedido antes.

آ

تینِس راشَن. مه آرپِینتو ده نو آپرلو پِدیِدو آنتِس.
حق با توست. پشیمانم که زودتر درخواستش نکردم.

Pues no pierdas más tiempo. Pregúntaselo mañana.

ب

پوئِس نو پِیرِداس ماس تیمپو. پِرگونتاسِلو مانیانا.
پس بیشتر وقت تلف نکن. فردا از او بپرس.

عبارت‌های کلیدی این درس

اگر ... داشتم، ... می‌کردم	Si tuviera..., ...ría
ای کاش می‌توانستم	Ojalá pudiera
من اگر جای تو بودم	Si yo fuera tú / Yo, de ti
ممکن است که...	Puede que + التزامی
شاید – محاوره‌ای و بسیار رایج	Igual + خبری
پشیمانم که ... نکردم	Me arrepiento de no haber...
هیچ‌وقت معلوم نیست	Nunca se sabe
چیزی هم از دست نمی‌دهی	Tampoco pierdes nada

نکته · شرطی خیالی، و راه ساده‌اش

فرمول ثابت است و استثنا ندارد:

Si + التزامی ناقص + فعل شرطی
Si tuviera dinero, viajaría más. اگر پول داشتم، بیشتر سفر می‌کردم.

ساختن التزامی ناقص از همه ساده‌تر است: سوم‌شخص جمع گذشته ساده را بگیرد، **-ron** را بردارید و **-ra** بگذارید:

hablaron → hablara · hicieron → hiciera · dijeron → dijera · pudieron → pudiera · fueron → fuera · tuvieron → tuviera

این قاعده برای هر فعلی در اسپانیایی کار می‌کند، حتی بی‌قاعده‌ها. هیچ استثنایی ندارد.

یک هشدار مهم: بعد از **si** هرگز فعل شرطی نمی‌آید. نگویید **Si tendría tiempo** – این خطایی است که بومی‌ها هم می‌کنند ولی غلط

است. درستش **Si tuviera tiempo** است.

و **ojalá** – که ریشه‌اش عربی است («ان‌شاءالله») – همیشه التزامی می‌گیرد: **Ojalá venga** (کاش بیاید) · **Ojalá viniera** (کاش می‌آمد، ولی بعید است).

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. اگر پول داشتم، خانه می‌خریدم.

2. من اگر جای تو بودم، قبول نمی‌کردم.

3. ای کاش می‌توانستم ببایم.

4. پشیمانم که زودتر شروع نکردم.

پاسخ‌ها: ۱. Si tuviera dinero, compraría una casa. ۲. Si yo fuera tú, no aceptaría. ۳. Ojalá pudiera ir. ۴. Me arrepiento de no haber empezado antes.

گفت‌وگوی یک ایرانی و یک اسپانیایی: یک رفتار در دو فرهنگ، دو معنای مخالف.

Me llama la atención lo tarde que se cena aquí.

مه یاما لا آتَنسیون لو تارده که سه سِنا آکی.

این‌که اینجا چقدر دیر شام می‌خورند برایم عجیب است.

Debe de ser raro para un extranjero. Aquí a las nueve todavía hay gente trabajando. ¿Y en Irán?

دِبه ده سِر رارو پارا اون اِکسترانْجِرو. آکی آ لاس نوْیْبه توداویا آی خَنْته تراباخاندو. ای این ایران؟
برای یک خارجی باید عجیب باشد. اینجا ساعت نه هنوز عده‌ای سر کارند. در ایران چطور؟

Suele ser sobre las ocho o las nueve, aunque depende de la familia.

سوئله سِر سُبْره لاس اُچو آ لاس نوْیْبه، آئونکه دِپِنده ده لا فامیلیا.
معمولاً حدود هشت یا نه است، هرچند به خانواده بستگی دارد.

Lo que más me ha costado no es el horario, sino el ritmo de las conversaciones.

لو که ماس مه آگُستادو نو اِس اِل اُرارِیو، سِینو اِل رِیتمو ده لاس کُنْپرساسیونس.
سخت‌ترین چیز برایم ساعت‌ها نبود، بلکه ریتم گفت‌وگوها بود.

¿En qué sentido?

این که سِنتیدو؟
از چه نظر؟

Aquí se habla más alto y se interrumpe más. Al principio lo interpretaba como enfado.

آکی سه آبلّا ماس آلتو ای سه اینترُومپه ماس. آل پِرینسیپیو لو اینترپرتابا کومو اِنفادو.
اینجا بلندتر حرف می‌زنند و بیشتر میان حرف می‌آیند. اولش آن را عصبانیت می‌فهمیدم.

Para nosotros interrumpir es señal de interés. Si te quedas callado, pensamos que te aburres.

پارا نوُسْتروس اینترُومپِیر اِس سِنیال ده اینترِس. سی ته کِداس کابادو، پَنساموس که ته آبورَس.
برای ما میان حرف آمدن نشانه علاقه است. ساکت بمانی، فکر می‌کنیم حوصله‌ات سر رفته.

Eso me ha llevado tiempo entenderlo. En mi cultura escuchar sin interrumpir es de buena educación.

اِسو مه آ پِبادو تِیمپو اِنْتِندِرلو. اِن می کولتورا اِسکُچار سِین اینترُومپِیر اِس ده بوئنا اِدوکاسیون.
فهمیدنش برایم وقت برد. در فرهنگ من گوش دادن بی‌میان‌حرف‌آمدن نشانه ادب است.

Pues ya ves: lo mismo puede significar cosas opuestas según dónde estés.

پُوئس یا وِس: لو میسمو پوئده سیگنیفیکار کوساس اُپوُستاس سِیگُن دُنْده اِستِس.
خب می‌بینی: یک چیز می‌تواند بسته به این‌که کجا باشی، معنای مخالف بدهد.

عبارت‌های کلیدی این درس

Me llama la atención... ... برایم جالب/عجیب است

Debe de ser... باید ... باشد (حدس، نه اجبار)

Suele ser... معمولاً ... است

Lo que más me ha costado es... سخت‌ترین چیز برایم ... بوده

No... sino... نه ...، بلکه ...

En qué sentido? از چه نظر؟

Es señal de... نشانه‌ی ... است

Es de buena educación نشانه‌ی ادب است

نکته · چهار ساختار که گفت‌وگوی فرهنگی را ممکن می‌کند

- ۱) **deber de** در برابر **deber**. با **de** حدس است؛ بی آن، اجبار: **Debe de estar cansado** (باید خسته باشد - حدس می‌زنم) در مقابل **Debe estudiar más** (باید بیشتر درس بخواند - وظیفه).
- ۲) **مصدر + soler** یعنی «معمولاً ... کردن» و در فارسی معادل قید «معمولاً» است، نه فعل: **Suelo levantarme temprano** استفاده از این فعل به جای **normalmente** فوراً سطح‌تان را بالا نشان می‌دهد.
- ۳) **no... sino...** «نه ...، بلکه ...». دقت کنید که **sino** با **pero** یکی نیست: **sino** جانشین می‌آورد، **pero** تضاد.
- ۴) **se** برای گفتن «مردم / آدم‌ها». وقتی فاعل مشخص نیست از **se** استفاده کنید: **Aquí se cena tarde** (اینجا دیر شام می‌خورند) · **¿Cómo se dice esto?** (این را چطور می‌گویند؟). این ساختار در توصیف فرهنگ‌ها بی‌جانشین است.

تمرین · این چهار جمله را بلند بگویید

1. برایم جالب است که اینجا چقدر دیر شام می‌خورند.
2. ما معمولاً حدود ساعت هشت شام می‌خوریم.
3. مشکل زبان نبود، بلکه فرهنگ بود.
4. در ایران این را چطور می‌گویند؟

پاسخ‌ها: ۱. Me llama la atención lo tarde que se cena aquí. ۲. Solemos cenar sobre las ocho. ۳. El problema no era el idioma, sino la cultura. ۴. ¿Cómo se dice esto en Irán?

۴

ابزارهای زبان

این بخش برای خواندن پشت سرهم نوشته نشده. مرجع است: هر وقت در مکالمه‌ای گیر کردید یا شکی داشتید، به همان صفحه برگردید. جدول‌ها را می‌توانید جدا چاپ کنید و جلوی چشمتان بگذارید.

- اصطلاح‌ها و زبان کوچه‌بازاری
- گرامر کاربردی در یک نگاه
- ۲۴۰ اشتباه رایج فارسی‌زبانان
- بانک عبارت‌های آماده
- اسپانیایی اسپانیا یا آمریکای لاتین؟
- برنامه تمرین ۳۰ روزه

اصطلاح‌ها و زبان کوچه‌بازاری

اصطلاح چیزی است که معنایش از جمع کلمه‌هایش در نمی‌آید. این‌ها را نباید بسازید؛ باید عیناً بشناسید. بیست مورد زیر آن‌هایی هستند که در گفتار روزمره واقعاً تکرار می‌شوند.

اصطلاح	معنی و کاربرد
Ser pan comido	مثل آب خوردن است، خیلی راحت است
Costar un ojo de la cara	خیلی گران بودن، پول زیادی آب خوردن
Meter la pata	گاف دادن، سوتی دادن
Estar hecho polvo	خیلی خسته و داغان بودن
Echar una mano	دست کسی را گرفتن، کمک کردن
Estar en las nubes	حواس‌پرت بودن، در خیال بودن
No tener pelos en la lengua	رودربایستی نداشتن، رگ بودن
Irse por las ramas	حاشیه رفتن، از موضوع دور شدن
Hablar por los codos	خیلی زیاد حرف زدن
Tomarle el pelo a alguien	سر کار گذاشتن کسی
Quedarse en blanco	ذهن یک‌باره خالی شدن
Dar la lata	کلافه کردن، سر کسی را بردن
Ponerse las botas	تا خرخره خوردن، حسابی سیر شدن
Estar como una cabra	یک تخته‌اش کم بودن (شوخی دوستانه)
Valer la pena	ارزشش را داشتن
Dar igual	مهم نبودن، فرقی نکردن
Ir al grano	سر اصل مطلب رفتن
Dar en el clavo	درست به هدف زدن، دقیقاً درست گفتن
Hacer la vista gorda	چشم‌پوشی کردن، به روی خود نیاوردن
Tener ganas de...	دل‌ودماغ ... داشتن، هوس کردن

نکته ۰ اصطلاح را «کم» استفاده کنید

یک اصطلاح به‌جا شما را بومی نشان می‌دهد؛ چهار اصطلاح پشت‌سرهم شما را شبیه کسی می‌کند که دارد از کتاب می‌خواند. قاعدهٔ عملی: در هر گفت‌وگو حداکثر یکی دو تا، و فقط آن‌هایی که مطمئنید در چه موقعیتی به کار می‌روند.

کلمه‌های کوچکی که گفتار را بومی می‌کنند

این‌ها معنای لغوی مهمی ندارند، ولی جای خالی‌شان فوراً حس می‌شود. اسپانیایی‌زبان‌ها جمله‌های‌شان را با همین‌ها به هم وصل می‌کنند.

عبارت	کارکرد در جمله
Es que...	قضیه این است که... – برای آوردن دلیل یا عذر. پرکاربردترین آغازگر توضیح.
O sea...	یعنی...، به عبارت دیگر... – برای بازگویی حرف خودتان
La verdad es que...	راستش... – پیش از یک نظر صادقانه یا مخالف
A lo mejor / Igual	شاید – هر دو محاوره‌ای و با فعل خبری
Por si acaso	محض احتیاط
De hecho	در واقع، حتی
Por cierto	راستی – برای تغییر موضوع
Oye / Oiga	ببین / ببخشید – جلب توجه (غیررسمی / رسمی)
Venga	یالا، باشه، خب – کاربرد چندمنظوره در اسپانیا
Qué va	نه بابا، اصلاً
Ni idea	هیچ نظری ندارم، نمی‌دانم
¡Ojo!	حواست باشه! دقت کن!
Vale / Dale	باشه (اسپانیا / آمریکای لاتین)
Total, que...	خلاصه که... – رسیدن به اصل ماجرا
En fin...	خب دیگر... – بستن یک موضوع

هشدار ۰ این‌ها را از کتاب یاد نگیرید، از آدم‌ها

زبان کوچه‌بازاری سریع‌تر از هر بخشی از زبان عوض می‌شود و شدیداً منطقه‌ای است. **guay** در اسپانیا، **chido** در مکزیک و **bacán** در بخشی از آمریکای جنوبی همه یعنی «باحال» – ولی هر کدام جای دیگری غریب است. همین‌طور خطاب دوستانه: **tío/tía** در اسپانیا، **güey** در مکزیک، **che/boludo** در آرژانتین. قاعده امن این است: تا وقتی نشنیده‌اید بومی‌ها آن را در همان موقعیت به کار می‌برند، خودتان به کارش نبرید.

گرامر کاربردی در یک نگاه – ۱

ser یا estar؟ سخت‌ترین انتخاب اسپانیایی

در فارسی یک «بودن» داریم و در اسپانیایی دو تا. قاعدهٔ مشهور «دائمی/موقت» نصف موارد را غلط جواب می‌دهد؛ این جدول قابل اعتمادتر است:

استفاده کنید	برای	مثال
ser	هویت، شغل، ملیت، جنس و ماده، زمان و تاریخ	Soy iraní · Es lunes
ser	ویژگی‌ای که بخشی از تعریف چیز است	El café es amargo
estar	مکان، حالت لحظه‌ای، احساس	Estoy en casa · Está triste
estar	نتیجهٔ یک تغییر یا عمل	La puerta está cerrada
estar	همراه وجه وصفی، برای زمان حال استمراری	Estoy comiendo

وقتی هر دو ممکن است، معنی عوض می‌شود

Es aburrido (آدم خسته‌کننده‌ای است) ≠ **Está aburrido** (حوصله‌اش سر رفته)

Es listo (باهوش است) ≠ **Está listo** (آماده است)

Es bueno (آدم خوبی است) ≠ **Está bueno** (خوشمزه است)

Es rico (ثروتمند است) ≠ **Está rico** (خوشمزه است)

para یا por

حرف اضافه	معنی اصلی	مثال
para	هدف، مقصد، گیرنده، مهلت	Es para ti · Salgo para Madrid
por	علت، عبور از، مدت، عوض چیزی	Lo hice por ti · por la calle

میان‌بر عملی: اگر در فارسی می‌توانید بگویید «برای این‌که...» یا «به سمت...»، حرف اضافه **para** است؛ اگر می‌توانید بگویید «به خاطر...» یا «از میان...»، **por** است. تفاوت در این جفت روشن می‌شود: **Lo hago por mi hijo** (به خاطر پسر) در برابر **Lo hago para mi hijo** (برای پسر، یعنی او دریافت‌کننده است).

عبارت‌های تثبیت‌شده – این‌ها را حفظ کنید، تحلیل نکنید

لطفاً · بالاخره · راستی **por favor · por fin · por cierto**

برای مثال · البته **por ejemplo · por supuesto**

صبح / بعدازظهر / شب **por la mañana / la tarde / la noche**

برای همیشه · به‌هیچ‌وجه **para siempre · para nada**

گرامر کاربردی در یک نگاه – ۲

وجه التزامی: کجا لازم می‌شود؟

همه کاربردهای التزامی را نمی‌شود حفظ کرد، ولی این فهرست بیش از نود درصد موارد روزمره را پوشش می‌دهد. اگر جمله با یکی از این‌ها شروع شد، فعل بعدی التزامی است:

آغازگر	مثال
No creo que / No pienso que	No creo que venga
Quiero que / Espero que	Quiero que vengas
Es importante / necesario que	Es importante que lo sepas
Para que	Te lo digo para que lo sepas
Antes de que	Antes de que salgas
Cuando (درباره آینده)	Cuando llegues, llámame
Aunque (فرضی)	Aunque llueva, iré
Siempre que / con tal de que	Siempre que confirmen
Ojalá	Ojalá venga
Puede que / Es posible que	Puede que tengas razón
توصیف چیزی نامشخص	Busco un piso que sea barato

سه زمان گذشته در یک جدول

زمان	برای چه	نمونه
Pretérito	اتفاق تمام‌شده که ماجرا را جلو می‌برد	Llegué, comí, dije
Imperfecto	پس‌زمینه، توصیف، عادت گذشته	Estaba, tenía, iba
Pluscuamperfecto	اتفاقی پیش از یک گذشته دیگر	Había reservado
Pretérito perfecto	گذشته‌ای که تا حالا کشیده: امروز، این هفته	He comido hoy

قیدهایی که زمان فعل را لو می‌دهند

قیدهای Pretérito: ayer, anoche, el año pasado, hace dos días, de repente

قیدهای Imperfecto: antes, siempre, todos los días, mientras, de pequeño

قیدهای Pretérito perfecto: hoy, esta semana, ya, todavía no, alguna vez

اگر قید را ببینید، دیگر لازم نیست فکر کنید؛ زمان فعل از خود قید بیرون می‌آید.

گرامر کاربردی در یک نگاه – ۳

ضمیرهای مفعولی: ترتیبی که هرگز عوض نمی‌شود

اسپانیایی دو نوع ضمیر مفعولی دارد و وقتی هر دو با هم می‌آیند، ترتیب‌شان ثابت است: اول غیرمستقیم، بعد مستقیم.

غیرمستقیم (به چه کسی)	مستقیم (چه چیزی)	با هم
me, te, le, nos, os, les	lo, la, los, las	Me lo das · Te la doy

یک قاعده مهم: وقتی **le** یا **les** کنار **lo/la/los/las** می‌آید، به **se** تبدیل می‌شود. پس **le lo doy** غلط است و درستش **se lo doy** است – همان چیزی که در همه مکالمه‌های این کتاب دیدید: **se lo llevo, se lo cambio, se lo envío**.

پراکاردترین فعل‌های بی‌قاعده

مصدر	حال (yo)	گذشته ساده (yo)	وجه وصفی
ser	soy	fui	sido
estar	estoy	estuve	estado
tener	tengo	tuve	tenido
hacer	hago	hice	hecho
ir	voy	fui	ido
poder	puedo	pude	podido
decir	digo	dije	dicho
poner	pongo	puse	puesto
saber	sé	supe	sabido
querer	quiero	quise	querido
venir	vengo	vine	venido
ver	veo	vi	visto
dar	doy	di	dado

دو صرفه‌جویی بزرگ

- از ستون «گذشته ساده» می‌توانید **التزامی ناقص** را بسازید (سوم شخص جمع منهای **-ron** به علاوه **-ra**): **tuvieron → tuviera**.
- از ستون «وجه وصفی» تمام زمان‌های مرکب ساخته می‌شود: **he hecho, había hecho, habría hecho**. یعنی با یادگیری این یک ستون، چهار زمان را به دست می‌آورید.

۲۴ اشتباه رایج فارسی‌زبانان – ۱

این اشتباه‌ها تصادفی نیستند؛ هر کدام از یک تفاوت ساختاری بین فارسی و اسپانیایی می‌آیند. همین آشنایی، اصلاح‌شان را آسان می‌کند.

#	غلط	درست	چرا
۱	Estoy treinta años	Tengo treinta años	سن را با tener می‌گویند
۲	Estoy frío	Tengo frío	سردی، گرسنگی و تشنگی با tener
۳	Yo gusto el café	Me gusta el café	gustar برعکس فارسی صرف می‌شود
۴	Trabajo desde cinco años	Llevo cinco años trabajando	مدت را با llevar می‌گویند
۵	Me duele mi cabeza	Me duele la cabeza	ضمیر ملکی با عضو بدن نمی‌آید
۶	Veo María	Veo a María	مفعول انسانی حرف a می‌گیرد
۷	Voy en Madrid	Voy a Madrid	حرکت به سمت جایی ← a
۸	Mucho bueno	Muy bueno	muy پیش از صفت، mucho پیش از اسم
۹	La problema	El problema	واژه‌های یونانی‌تبار -ma مذکرند
۱۰	Las gentes son...	La gente es...	gente در اسپانیایی مفرد است
۱۱	Soy de acuerdo	Estoy de acuerdo	موافقت یک حالت است، نه هویت
۱۲	No creo que es bueno	No creo que sea bueno	نفي باور ← التزامی

#	غلط	درست	چرا
۱۳	Sé a tu hermano	Conozco a tu hermano	conocer برای آدم‌ها و جاها
۱۴	Pregunté un café	Pedí un café	pedir درخواست، preguntar سؤال
۱۵	Si tendría tiempo...	Si tuviera tiempo...	بعد از si شرطی نمی‌آید
۱۶	Espero que vienes	Espero que vengas	esperar que – التزامی
۱۷	Más grande de ti	Más grande que tú	مقایسه با que
۱۸	Mi el coche	Mi coche	ضمیر ملکی و حرف تعریف با هم نمی‌آیند
۱۹	Yo voy, yo como, yo digo...	Voy, como, digo	ضمیر فاعلی معمولاً حذف می‌شود
۲۰	Hace dos años vivo aquí	Hace dos años que vivo aquí	این ساختار que لازم دارد
۲۱	Le lo doy	Se lo doy	le + lo همیشه می‌شود se lo
۲۲	Tengo que ir a la casa	Tengo que ir a casa	«خانه خود» بدون حرف تعریف
۲۳	Es un poco de caro	Es un poco caro	un poco فقط پیش از اسم
۲۴	و را «و» خواندن	و = v	vino «وینو» است، نه «وینو»

و یک اشتباه که گرامری نیست، ولی بیشتر از همه به چشم می‌آید

قاعده **tú** و **usted** در یک گفت‌وگو. اگر با کسی رسمی شروع کردید، تا آخر رسمی بمانید – مگر خودش بگوید **Puedes tutearme**

(«می‌توانی با من tú حرف بزنی»). عوض شدن بی‌دلیل این دو، بی‌احترامی یا بی‌دقتی خوانده می‌شود.

قاعده امن: با هرکس مسن‌تر، در هر موقعیت اداری، و با هر غریبه‌ای **usted**. با هم‌سرها، همکاران نزدیک و در فضاهای غیررسمی **tú**. اگر شک داشتید، **usted** را انتخاب کنید؛ رسمی بودن بی‌جا هیچ‌وقت توهین نیست.

بانک عبارتهای آماده – ۱

این صفحه و صفحه بعد را اگر فقط همین‌ها را بلد باشید، از هیچ گفت‌وگویی جا نمی‌مانید. عبارت‌ها بر اساس کاری که انجام می‌دهند دسته‌بندی شده‌اند، نه بر اساس گرامر.

وقتی نفهمیدید (مهم‌ترین دسته)

بخشید، چی فرمودید؟	Perdón, ¿cómo dice?
می‌شه آرام‌تر تکرار کنید؟	¿Me lo puede repetir más despacio?
خوب متوجه نشدم	No le he entendido bien
... چه معنایی دارد؟	¿Qué significa...?
... به اسپانیایی چه می‌شود؟	¿Cómo se dice... en español?
می‌شه برام بنویسید؟	¿Me lo puede escribir?
هنوز دارم اسپانیایی یاد می‌گیرم	Todavía estoy aprendiendo español

خریدن وقت برای فکر کردن

ببینم...	A ver...
خب...	Pues...
بگذار یک لحظه فکر کنم	Déjame pensar un momento
چطور بگویم؟	¿Cómo lo diría?
نمی‌دانم چطور توضیحش بدهم، ولی...	No sé cómo explicarlo, pero...
توضیحش کمی سخت است	Es un poco complicado de explicar

درخواست مؤدبانه، از نرم به رسمی

می‌شه ... بدهی؟ (غیررسمی)	¿Me pones...? / ¿Me das...?
می‌توانید...؟	¿Me puede...?
لطف می‌کنید...؟	¿Sería tan amable de...?
می‌خواستم... (رسمی)	Quisiera...
اگر زحمت نیست...	Si no es molestia...
هر وقت توانستید	Cuando pueda

موافقت، مخالفت، تردید

کاملاً موافقم	Estoy totalmente de acuerdo
حق کاملاً با توست	Tienes toda la razón
تا حدی بله، ولی...	En parte sí, pero...
من این طور نمی بینمش	No lo veo así
من جور دیگری می بینم	Yo lo veo de otra manera
راستش مطمئن نیستم	No estoy seguro, la verdad
بستگی دارد	Depende

احساس و واکنش

چه خوب! / چه حیف!	¡Qué bien! / ¡Qué pena!
خیلی خوشحالم	Me alegro mucho
خیلی متأسفم	Lo siento mucho
باورم نمی شود	No me lo puedo creer
چه عجیب	Qué raro
خدا را شکر، باز خوب شد	Menos mal
تبریک!	¡Enhorabuena! / ¡Felicidades!

باز و بسته کردن گفت و گو

چطوری؟ / اوضاع چطور است؟	¿Qué tal? / ¿Cómo va todo?
آخر هفته چطور بود؟	¿Qué tal el fin de semana?
از دیدنت خوشحالم	Me alegro de verte
خب، می روم، عجله دارم	Bueno, te dejo, que tengo prisa
می بینمت / بعداً	Nos vemos / Hasta luego
سلام رسان / بغل (پایان پیام)	Un saludo / Un abrazo
موفق باشی	Que te vaya bien

اسپانیایی اسپانیا یا آمریکای لاتین؟

این سؤال را هر کسی که اسپانیایی شروع می‌کند می‌پرسد و جواب کوتاهش این است: مهم نیست، هر دو همه‌جا فهمیده می‌شوند. تفاوت‌ها کمتر از تفاوت فارسی تهران و مشهد نیست، ولی از تفاوت انگلیسی بریتانیا و آمریکا هم بیشتر نمی‌شود. آن‌چه اهمیت دارد این است که یکی را انتخاب کنید و ثابت بمانید، نه این‌که کدام را.

سه تفاوت تلفظی که فوراً به گوش می‌آید

مورد	اسپانیا	آمریکای لاتین
z و c پیش از e/i	«ث» – gracias = گراتیاس	«س» – گراسیاس
ll و y	«ی» – calle = کایه	«ی» یا «ژ» (آرژانتین: کاژه)
s پایان هجا	واضح تلفظ می‌شود	در کارائیب اغلب حذف یا «ه» می‌شود

تفاوت دستوری مهم: ضمیر دوم شخص جمع

حالت	اسپانیا	آمریکای لاتین
«شما» جمع غیررسمی	vosotros habláis	ustedes hablan
«تو» در آرژانتین و اوروگوئه	tú hablas	vos hablás

خبر خوب برای شما: در آمریکای لاتین **vosotros** به کار نمی‌رود و همیشه **ustedes** گفته می‌شود – یعنی یک صرف کامل کمتر برای یاد گرفتن. اگر می‌خواهید بار یادگیری‌تان کم شود، از آمریکای لاتین شروع کنید. ولی اگر اسپانیا مقصدتان است، **vosotros** را لازم دارید، چون در گفتار روزمره آنجا همه‌جا هست.

واژه‌های روزمره که عوض می‌شوند

فارسی	اسپانیا	آمریکای لاتین
خودرو	el coche	el carro / el auto
آپارتمان	el piso	el departamento
گوشی همراه	el móvil	el celular
رانندگی کردن	conducir	manejar
آبمیوه	el zumo	el jugo
رایانه	el ordenador	la computadora
بلیت	el billete	el boleto / el pasaje
باشه	vale	dale / bueno / OK
باحال	guay	chido / bacán / genial

برنامه تمرین ۳۰ روزه

این کتاب را می‌توانید در یک هفته بخوانید و در یک ماه یاد بگیرید. تفاوت این دو، برنامه زیر است. روزی چهل دقیقه کافی است؛ مهم‌تر از مدت، پیوستگی است.

هفته	کار روزانه	هدف پایان هفته
هفته اول روز ۱ تا ۷	هر روز یک درس از بخش یک: بلند بخوانید، تلفظ را مرور کنید، تمرین پایانی را بگویید.	هشت موقعیت روزمره را بتوانید بدون فکر شروع کنید.
هفته دوم روز ۸ تا ۱۴	هر روز یک درس از بخش دو + مرور یکی از درس‌های هفته اول.	در موقعیت رسمی بتوانید با usted و وجه شرطی حرف بزنید.
هفته سوم روز ۱۵ تا ۲۱	بخش سه، ولی هر درس را دو روز کار کنید. جدول‌های گرامری مربوطه را هم بخوانید.	وجه التزامی و شرطی را نه به‌عنوان قاعده، بلکه به‌عنوان جمله بلد باشید.
هفته چهارم روز ۲۲ تا ۳۰	هر روز یک صفحه از بخش چهار + بازخوانی یک مکالمه قدیمی با نقش‌بازی.	اصطلاح‌ها و بانک عبارت را در گفتار خودتان به کار ببرید.

پنج تمرین که بدون هم صحبت می‌دهد

1. ترجمه معکوس. ترجمه فارسی را بیوشانید و از روی اسپانیایی معنی بگویید؛ بعد برعکس. مرحله دوم سخت است و همان جایی است که یادگیری اتفاق می‌افتد.
2. سایه‌گویی. هر فایل صوتی اسپانیایی را پخش کنید و نیم‌ثانیه عقب‌تر، همان جمله‌ها را همراهش بگویید. این تمرین ریتم و آهنگ زبان را می‌سازد – چیزی که هیچ کتابی نمی‌تواند یاد بدهد.
3. تک‌گویی یک دقیقه‌ای. هر روز یک دقیقه درباره روزتان بلند حرف بزنید و صدای خودتان را ضبط کنید. هفته بعد گوش بدهید؛ پیشرفت‌تان را می‌شنوید.
4. بازنویسی مکالمه. یک مکالمه این کتاب را بردارید و با اطلاعات زندگی خودتان بازنویسی کنید: اسم خودتان، شهر خودتان، شغل خودتان. جمله‌ای که به خودتان مربوط است، در حافظه می‌ماند.
5. پنج جمله در روز. پنج جمله کامل – نه پنج کلمه – را انتخاب کنید و آن روز حتماً به کار ببرید، حتی اگر فقط با خودتان. سی روز بعد صدوپنجاه جمله آماده دارید و این دقیقاً همان چیزی است که به آن «راحت حرف زدن» می‌گویند.

و یک نکته آخر که از همه برنامه‌ها مهم‌تر است

اشتباه کردن قیمت یادگیری نیست، خود یادگیری است. کسی که با ده غلط حرف می‌زند، شش ماه بعد روان صحبت می‌کند؛ کسی که منتظر است بی‌غلط حرف بزند، شش ماه بعد هم ساکت است. اسپانیایی‌زبان‌ها – و این را واقعاً بومی‌ها می‌گویند – به کسی که زبان‌شان را با لهجه و غلط حرف می‌زند با گرمی برخورد می‌کنند، چون تلاش را می‌بینند نه خطا را.

¡BUENA SUERTE!

پایانِ این مجموعه، شروعِ حرف زدن شما

۱۹ مکالمه، چند صد عبارت و چند جدول گرامری را تا اینجا خواندید.
از فردا فقط یک کار لازم است: یکی از این جملها را بلند بگویید.

تهیه شده توسط

چرب زبان